

باز خوانی دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره مبارزه با فساد

## باید لباس مبارزه به تن کرد

صفحه ۵

نسبت‌سنجی توسعه اقتصادی با سیاست خارجی

## یارانه سیاست به اقتصاد

صفحه ۸



به بهانه رونمایی از سامانه تمام ایرانی پدافند هوایی «باور ۳۷۳»

# باور ما می‌توانیم

صفحه ۲

فرمانده سپاه  
انصارالحسین همدان  
در گفت‌وگو با صبح صادق

### در تأمین مسکن کارکنان عقب نیستیم

بازنگاهی به رهنمودهای  
رهبر حکیم انقلاب در دیدار با  
رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت

### چهل سال دوم بهتر از چهل سال اول خواهد بود

در دومین همایش  
استادان بسیجی  
حوزه‌های علمیه مطرح شد

### نسخه مذاکره راه حل مشکلات نیست

صفحه ۱۱

صفحه ۲

صفحه ۱

## تازه کارنامه

نگاهی به عملکرد شش ساله دولت اعتدال

### تراکم هشدارها در برابر سیاست‌های غرب گریزانه

چرا نیض اقتصاد کند می‌زند؟  
زنگ‌ها برای که به صدا درآمد؟  
زمانه ارزیابی عملکرد  
چشم اسفندیار دولت تدبیر

صفحات ۶ و ۷

در دومین همایش استادان بسیجی حوزه‌های علمیه مطرح شد

## نسخه مذاکره راه حل مشکلات نیست



دومین همایش مشترک چهار حوزه علمیه قم، تهران، مشهد و اصفهان با شعار «نقش اساتید بسیجی در پیش بردگی انقلاب اسلامی» که برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب است، در مشهد مقدس برگزار شد.

به گزارش خبرنگار اعزامی صبح صادق، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی در آیین افتتاحیه دومین همایش استادان بسیجی حوزه‌های علمیه در مشهد مقدس اظهار داشت: «روحانیت شیعه افتخار سنگر نشینی دفاع از حقیقت دین و اسلام ناب در عرصه‌های مختلف در برابر انواع تهاجم‌ها را دارد.»

وی خاطر نشان کرد: «یکی از برجسته‌ترین ابعاد سیره اهل بیت(ع) از جمله امام رضاع) تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در شرایط مختلف است و ما می‌توانیم با تاسی به آموزه‌های جاودان معصومین(علیهم‌السلام) تهدیدهای دشمنان را به فرصت تبدیل کنیم.»

نماینده ولی‌فقیه در سپاه عنوان کرد: «در این وضعیت خطری امروز روحانیت رسالت سنگین‌تری دارد؛ چرا که تقابل جبهه استکبار، کفر و اسلام بدلی در برابر جبهه اسلام ناب محمدی(ص) نابرابر است و ما باید به دنبال رسیدن به مفهوم بسیجی به همان نحوی که امام راحل به آن افتخار کرد، باشیم.»

روحانیت همواره در سنگر نشینی انقلاب پیش‌قدم بوده و در پیش بردگی انقلاب نیز نقش آفرینی‌های بزرگی دارد و بسیجی‌پروری یکی از این نقش‌هاست.»

حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی خاطر نشان کرد: «روحانی بسیجی نه تنها باید انقلابی باشد، بلکه امت را نیز در این سنگر نشینی حفظ و با بصیرت، صراحت و قاطعیت به بقای اسلام ناب و تجلی آن کمک کند.»

نماینده ولی‌فقیه در سپاه با اشاره به رهاورد‌های انقلاب اسلامی تأکید کرد: «انقلاب اسلامی کفر و تبعیت از تمامی حاکم‌های غیر الهی و نظایر این موارد را از بین برد و عالم را تشنه دین اسلام کرد. انقلاب

دومین همایش مشترک چهار حوزه علمیه قم، تهران، مشهد و اصفهان با شعار «نقش اساتید بسیجی در پیش بردگی انقلاب اسلامی» که برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب است، در مشهد مقدس برگزار شد.

به گزارش خبرنگار اعزامی صبح صادق، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی در آیین افتتاحیه دومین همایش استادان بسیجی حوزه‌های علمیه در مشهد مقدس اظهار داشت: «روحانیت شیعه افتخار سنگر نشینی دفاع از حقیقت دین و اسلام ناب در عرصه‌های مختلف در برابر انواع تهاجم‌ها را دارد.»

وی خاطر نشان کرد: «یکی از برجسته‌ترین ابعاد سیره اهل بیت(ع) از جمله امام رضاع) تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در شرایط مختلف است و ما می‌توانیم با تاسی به آموزه‌های جاودان معصومین(علیهم‌السلام) تهدیدهای دشمنان را به فرصت تبدیل کنیم.»

سر مقاله

### بن بست نداریم



دکتر عبدالله جوانی  
مدیر مسئول

«بن بست نداریم.» یکی از گزاره‌های بسیار مهم و راهبردی رهبر حکیم و راه بلد انقلاب اسلامی در بیانات سال‌های اخیر خطاب به مردم و کارگزاران نظام است. بیاناتی چون:

«تولید، عملی است و امکانات آن در کشور وجود دارد؛ اما مسئولان سه قوه باید وظایف خود را انجام دهند تا تولید رونق پیدا کند و ما در این بخش بن بست نداریم و راهی نیست که نتوانیم حرکت کنیم و باید به خودمان تحرک ببخشیم.» (بیانات ۱ فروردین ۱۳۹۶)؛ «در اداره اقتصاد کشور بن بست نداریم.» (بیانات در دیدار با هیئت دولت، ۷ شهریور ۱۳۹۷)؛ «ما فشار اقتصادی داریم؛ اما بن بست نداریم.» (بیانات ۱۲ مهر ۱۳۹۷)؛ «هیچ بن بست و مشکل غیر قابل حلی در کشور وجود ندارد.» (بیانات ۱۹ مهر ۱۳۹۷)؛ «در کشور بن بست نداریم.» (۱۴ خرداد ۱۳۹۸)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در هفته گذشته، با اشاره به ظرفیت‌های کشور و تحرک‌ها در سال جاری در زمینه‌های تولید صنعتی، کشاورزی، انرژی، پتروشیمی و لوازم خانگی و مبارک دانستن این وضعیت فرمودند: «بن واقعیت نشان می‌دهد کسانی که از بن بست در کشور حرف می‌زنند، کاملاً اشتباه می‌کنند.»

تأکیدهای بی‌در پی رهبر معظم انقلاب بر این نکته راهبردی، بیشتر از آن جهت است که دشمنان در جنگ نرم با استفاده از ابزار رسانه و الگوی عملیات روانی تصویرسازی غلط از جامعه ایران و شرایط کشور، به دنبال القای نوعی نگاه بدبینانه به وضعیت و در بن بست قرار گرفتن جمهوری اسلامی هستند. در این تصویرسازی غلط و منفی از شرایط کشور دشمن تلاش می‌کند با تمرکز بر ناامیدسازی و بدبین‌سازی، تنها راه نجات کشور از بن بست کنونی را روی آوردن به غرب و گشودن باب مذاکره در حوزه‌های گوناگون معرفی کند. نگاهی به مواضع و عملکرد برخی مسئولان، جریان‌های سیاسی و رسانه‌های داخلی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد دشمنان تا حدودی توانسته‌اند در انجام این عملیات روانی در بستر جنگ نرم موفق باشند. کسانی که در سال‌های اخیر، پیشرفت و حل مشکلات مردم را تنها از طریق مذاکره با آمریکا میسر دانسته و از همین روی، توجیه‌گر ضرورت مذاکره با آمریکا بوده‌اند، در واقع اساس استدلال‌شان در بن بست بودن کشور است. نکته مهم اینکه آمریکایی‌ها به همراه متحدان اروپایی و صهیونیستی خود، بر این باورند که تنها راه جلوگیری از پیشرفت‌های واقعی ایران و مهار قدرت جمهوری اسلامی، مجبور کردن رهبران جمهوری اسلامی به پذیرش مذاکره است. آنان بر این اعتقاد هستند که از طریق سیاست و راهبرد «فشار-مذاکره» می‌توان در هر حوزه‌ای از طریق مذاکره، جمهوری اسلامی را به امید کاهش فشارها وادار به قبول مجموعه‌ای از محدودیت‌ها کرد. به عبارت دیگر، آمریکایی‌ها به همراه متحدان خود تصور می‌کنند که می‌توان الگوی برجام را از طریق فشار به تمامی حوزه‌های راهبردی قدرت آفرین برای جمهوری اسلامی تعمیم داد. نتیجه این فشارها از یک طرف و عملیات روانی دشمن از طرف دیگر، موجب شد تا عده‌ای تصور کنند کشور در بن بست قرار دارد و تنها راه شکست این بن بست مذاکره با آمریکاست.

بر همین اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدارهای گوناگون با مردم و مسئولان، با ذکر دلایل متقن و بیان استدلال‌های مبتنی بر واقعیت، بر این نکته تأکید دارند که کشور در بن بست قرار ندارد. معظم‌له بارها اعلام فرموده‌اند که هیچ مشکلی در کشور نداریم که کلید حل آن در خارج کشور باشد.

ادامه در صفحه دوم

یادداشت

### تسلیمات بر تو یمن؛ از «برکان» تا «صمد»



سعدالله زاری  
تحلیلگر ارشد بین‌الملل

حدود یک ماه پس از آغاز تجاوز سنگین ائتلاف عربی-غربی به رهبری رژیم سعودی علیه ملت مظلوم یمن، سر تیپ «حمد العسیری» سخنگوی ائتلاف نظامی، طی کنفرانس خبری اعلام کرد که هم‌اینک قدرت نظامی انصارالله به حداقل رسیده است، تهدیدات آن علیه مرزهای عربستان از بین رفته، موشک‌های بالستیک آن منهدم شده و ائتلاف توانسته با ۲۴۱۵ حمله هوایی کار انصارالله را تمام کند و اکنون یمنی‌ها باید خودشان عملیات سیاسی را طبق قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت دنبال کنند.

سخنان العسیری دو جنبه داشت: یک جنبه آن اعتراف به ناکامی ائتلاف نظامی عربی-غربی در جنگ علیه یمن بود؛ زیرا دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ که او آن بیانیه را قرائت کرد، نه تنها از قدرت انصارالله کاسته نشده، بلکه سیطره آن از چهار استان به ده استان رسیده بود. اعلام پایان عملیات یک ماهه «عاصفه الحزم» اعتراف به شکست عملیات بود و اعلام آغاز عملیات «عاده الاصل» تغییر ریل جنگ و تلاش برای درگیر کردن یمنی‌ها با هم را نشان می‌داد که این جنبه دیگر سخنان العسیری بود. متأسفانه در این فاصله، شورای امنیت سازمان ملل با ۱۴ رأی از ۱۵ رأی، قطعنامه‌ای را در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۴ یعنی یک هفته پیش از اعلام مرحله جدید عملیات صادر کرد، در واقع زمینه داخلی شدن جنگ را فراهم کرد و نشان داد به ابزاری در اختیار متجاوزان تبدیل شده است؛ اما البته جنگ در وجه تجاوز خارجی متوقف نشد و عملیات‌ها با هدف ویران کردن توانایی مقاومت یمنی‌ها استمرار یافت. عربستان در این مرحله تلاش کرد تا به ائتلاف جنگی ضد یمن وجهای عربی-اسلامی بدهد که چندان موفق نشد و به رغم مشارکت امارات، قطر، کویت، بحرین، جیبوتی، مراکش و سودان در این جنگ، جبهه و شاقعی و شکل‌دهی به بسیج با عنوان «کمیته‌های مردمی» بود که در آن دسته از کشورهای عربی هم که در آغاز در کنار رژیم سعودی قرار گرفتند، یکی یکی صحنه را ترک کردند و جنگ عملاً به جنگ عربستان، امارات، آمریکا، انگلیس و فرانسه علیه یمن تبدیل شد؛ یعنی جنگ از جنبه اسلامی و عربی تهی شد. در این میان امید به پیروزی در همین جبهه هم کم‌رنگ‌تر می‌شد و زمزمه لزوم پایان دادن به جنگ یا زینت‌های آنان بلند شد. در این دوران، یمنی‌ها با وجود قربانیان زیادی که دادند و هم‌اینک تعداد شهدای آنان در جبهه و شهرها از ۸۰ هزار نفر فراتر رفته است، با توکل به خداوند و اعتماد به وعده پیروزی الهی و با تکیه بر خود، مقاومت کردند.

مقاومت یمن در این دوران جنبه‌های گوناگونی را پوشش داد که اول شامل پیشروی در داخل یمن و آزادسازی شش استان دیگر بود که اکثریت جمعیت آنان را برادران «شاقعی مذهب» تشکیل می‌دادند. راهبرد دوم انصارالله ائتلاف درونی آنان در مقابل ائتلاف بیرونی با قبایل و پیروان مذهب شاقعی و بعضی گروه‌های سیاسی یمن بود. راهبرد سوم انصارالله سازماندهی عملیاتی مردم زیدی و شاقعی و شکل‌دهی به بسیج با عنوان «کمیته‌های مردمی» بود که در پرتو آن حدود ۲۰۰۰ هزار نفر یمنی-به اندازه یک ارتش کامل-وارد میدان شدند. راهبرد چهارم انصارالله رسیدگی به نیازهای مردم هنگام جنگ بود که با وجود محدودیت‌های زیاد و درگیر بودن با محاصره هوایی، زمینی و دریایی توانستند این کار را در حد توان انجام دهند. راهبرد پنجم انصارالله تولید تسلیحات بالستیک و غیربالستیک و در واقع بومی کردن تسلیحات بود که با شایستگی انجام شد و امروزه انصار به دست کم ده نوع موشک بالستیک و غیربالستیک با بردهای ۱۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلومتر دست یافته و سیستم پهنادهای تهاجمی خود را همواره ارتقا داده است. راهبرد ششم انصارالله اقبال از راه‌حل‌های سیاسی بود؛ به گونه‌ای که گریفتس، نماینده دبیر کل سازمان ملل بارها اعلام کرد انصار همیشه از طرح‌های سیاسی مبتنی بر پایان جنگ حمایت کرده است. ادامه در صفحه دوم

### تارنمای هفته نامه صبح صادق

ارسال مطلب  
info@ssweekly.ir

ارتباط مستقیم با سردبیر  
sardabir@ssweekly.ir

با طراحی جدید

همراه با  
بایگانی  
کامل

اخبار  
تحلیل  
یادداشت

### صبح صادقی شوید

به شرط آن که دست به قلم  
ببرید و نوشته‌ها و تحلیل‌های  
خود را برای ما ارسال کنید



نباید بر جام را امضای کردیم



«علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در مصاحبه‌ای با شبکه آمریکایی «ان‌بی‌سی نیوز» با تأکید بر اینکه «در سال ۲۰۱۵ میلادی مردم ایران احساس می‌کردند امضای توافق جامع هسته‌ای اشتباه است.» گفت: «ما نباید توافقی هسته‌ای را در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما امضا می‌کردیم.»

پایش



بزرسی یک ادعای انتخاباتی پس از دو سال

دیوانه نیستیم!

کارنامه دولت او در روابط بین‌الملل چگونه است و هواداران انتخاباتی حسن روحانی نزدیک به ۳۰ ماه پس از هیاهوها و حمایت‌ها نظرشان در این باره چیست؟ پرسش‌هایی که پاسخ آنها را می‌توان از دو مسیر به دست آورد:

**تجربه**

نباید فراموش کنیم مسئولان دستگاه دیپلماسی کشور، به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، افرادی «فیور»، «شجاع»، «متدین»، «امین» و «خستگی‌ناپذیر» هستند و آنچه در ادامه خواهد آمد، نه در ردّ تلاش‌های آنها، بلکه در نقد رویکرد و راهبرد سیاست خارجی دولت «تدبیر و امید» است.

وقتی افکار عمومی، «وضع تحریم‌های ضد ایرانی از سوی «باراک اوباما»ی دموکرات در دوران پسا برجام، آغاز سناریوی فشار حداکثری علیه تهران پای امضا «دونالد ترامپ» جمهوریخواه پای فرمان خروج ایالات متحده آمریکا از توافق جامع هسته‌ای، فریب و تعلق تروئیکای اروپایی در انجام تعهدات خود در برجام با سرگرم کردن افکار عمومی به «پینستکس» و سنگ‌اندازی در مسیر تأمین منافع کشورمان در برجام با موضوعاتی چون تصویب لویج چهارگانه» و «تخقیر انگلیسی‌ها در خلیج فارس و آزادی نفت کش متعلق به جمهوری اسلامی ایران پس از راهزنی دریایی استعمارگر پیر، نفوذ منطبق‌های محور مقاومت به مرکزیت جمهوری اسلامی ایران، پاسخ قاطع به تجاوز پهباد جاسوسی آمریکا که کار سران کاخ سفید را به دروغ و هذیان کشاند، تغییر ادبیات و افزایش تلاش اروپایی‌ها پس از تغییر رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبسال برجام با تدوین گام‌های سه‌گانه برای کاهش تعهدات هسته‌ای کشورمان و حتی پیش از اینها، نامه بسازاک اوباما به رهبر معظم انقلاب و اعلام پذیرش حقوق هسته‌ای ایران در پی پیشرفت‌های کشورمان در دانش هسته‌ای» را در دو کفه ترازو قرار می‌دهند، نتیجه کاملاً واضح است: رجحان و برتری مطلق «دیپلماسی مقاومت» بر «دیپلماسی لبخند!» نتیجه‌ای که نشان می‌دهد، برخلاف آنچه حسن روحانی می‌گفت، ادبیات حاکم بر روابط بین‌الملل، زبانی نیست که دولت وی برگزیده بود؛ بلکه در معادلات جهانی، طرفی پیروز خواهد بود که قدرت دیکته کردن نظر خود به طرف مقابل را داشته باشد!

**اذعان**

«دوستانی که پیشنهاد مذاکره می‌دادند و به آن اصرار داشتند، چرا ضمانت اجرای آن را مورد توجه خود قرار ندادند؟ اگر قرار بود که وارد برجام شویم، باید فرض می‌کردیم که چنانچه طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکرد ما چه باید انجام دهیم تا از ترس عمل ما، طرف مقابل به تعهداتش ملتزم باشد؟ به نظر بسیاری از افراد درک درستی از ماهیت روابط بین‌الملل و سیاست واقع‌گرایانه ندارند و روابط بین‌الملل را به گفت‌وگو و صلح‌خواهی تقلیل می‌دهند، در حالی که روابط بین‌الملل در اصل متکی به قدرت است و پس... اگر این عبارات بدون نام گوینده آنها نقل شود، بی‌تردید هر شنونده‌ای خیال خواهد کرد این عبارات متعلق به منتقدان سرسخت دولت اعتدال است؛ اما نه، این جملات بخشی از یادداشت «عباس عبیدی» از چهره‌های شاخص اصلاحات در روزنامه «اعتماد» است! تا مشخص شود حتی نزدیک‌ترین رسانه‌ها و چهره‌ها به دولت نیز به اشتباه بودن ادبیات و راهبرد دولت در روابط بین‌الملل اذعان دارند! اعترافی که البته با ادبیاتی متفاوت در گفتارهای محمدجواد ظریف و حسن روحانی نیز قابل رصد است، آنجا که وزیر امور خارجه می‌گوید: «من اعتراف می‌کنم که اشتباه کردم و به حرف جان کری اعتماد کردم» یا آنجا که رئیس‌جمهور می‌گوید: «آمریکا با زبان و عمل می‌گوید که اهل مذاکره و تعهد نیست، اما به برخی کشورهای شرق آسیا (کره شمالی) می‌گوید بیا ما مذاکره کن؛ مگر دیوانه‌اند که با شما مذاکره کنند؟ شما به مذاکره‌ای که به تأیید سازمان ملل رسیده، پایبند نیستید».

تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

اعتراف استیکار به ناتوانی در مقابل جمهوری اسلامی ایران

حسن خدادی / مهم‌ترین الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، ضدیت با استیکار جهانی و دفاع از مستضعفان عالم بوده است. در طول چهل سال گذشته، نماد اصلی استیکار جهانی که پس از جنگ جهانی اول و به ویژه با فروپاشی شوروی خود را به عنوان هژمون نظام بین‌الملل معرفی می‌کند، آمریکا است. چهار دهه تقابل نظام نوپای برآمده از انقلاب اسلامی و این به اصطلاح هژمون جهانی شاید برای نسل‌های آینده باورکردنی نباشد. حتی نسل‌های فعال نیز نسبت به افتخارات به دست آمده در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ نیز دچار سؤال و ابهاماتی هستند که باید پاسخ داده شود.

در حال حاضر مشخص است نسل امروز انقلاب اسلامی به توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران و شکست دشمن در تقابل‌های سیاسی و نظامی واقف است و وظیفه دارد این آگاهی و بصیرت را به نسل بعدی نیز انتقال دهد. علاوه بر شواهد موجود مبنی بر شکست ابرقدرتی به نام آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران که در جنگ تحمیلی، کودتاها و ترورها، تحریم‌ها و تهدیدات و... آشکار شده است، یکی دیگر از دلایل و نشانه‌های ناتوانی و شکست دشمن اعترافات آنهاست. اعترافات مقامات عالی آمریکا در سال‌های گذشته مهم‌ترین دلیل ناتوانی دشمن و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) عالمانه بیان شده است. ایشان می‌فرمایند: «قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره قلدان جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند».

یکی از مهم‌ترین مقامات آمریکا در این زمینه، کانولویا رایس، مشاور پیشین امنیت ملی و وزیر امور خارجه ایالات متحده در دولت بوش پسر است. بخشی از اعترافات وی چنین است: «ایران در سیاست خود بر پایه اعتقادات مذهبی حرکت می‌کند. اشتباه آمریکا این است که ایرانی سیاسی را جدای از ایران مذهبی می‌بیند. به نظر من، این دو از هم جداناپذیر هستند. ... من همیشه در مصاحبه‌های خود گفته‌ام که هیچ کشوری برای آمریکا در دسترس‌تر از ایران نبوده است؛ بنابراین، تعریف استراتژی‌های مختلف برای مبارزه با آن تا زمانی که این نگرانی از طرف ایران برای آمریکا وجود دارد، همواره ادامه خواهد داشت. امروزه «اسلام لیبرال» نمی‌تواند راه‌حلی برای تغییرات بنیادین در ایران باشد، چرا که ایران در منطقه و در کشورهایی مانند لبنان، سوریه و عراق به شدت فعال است و بیشترین طرح‌های خود را نیز از طریق اعتقادات و تعریف‌های مذهبی و دینی (الهام‌بخشی) پیش می‌برد؛ بنابراین، من بعید می‌دانم که دیگر «اسلام لیبرال» راه‌حلی برای روابط ایران و آمریکا باشد. همان‌طور که قبلاً هم گفته بودم ایران تنها کشوری است که در سیاست خارجی خود بر پایه «رنالیسم» حرکت می‌کند و هرگز از رقیبان و دشمنان خود تصاویری فرضی و خیالی نمی‌سازد... سیاستمداران ایرانی باهوش‌تر از آن هستند که دستگاه بوش، چه پدر و چه پسر، فکر می‌کردند». خانم رایس قبلاً نیز اعتراف کرده بود که آمریکا با ساماندهی مهم‌ترین راهبردهای خود، در طول شش ماه برنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی کرده؛ اما آن‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، رهبر جمهوری اسلامی ایران در یک سخنرانی این را نابود می‌کند.

یکی دیگر از افراد مشهور آمریکا که به شکست در مقابل جمهوری اسلامی ایران اعتراف کرده، «برژینسکی» مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا است که می‌گوید: «تلاش‌های بی‌پایه آمریکا برای تحریم علیه ایران بی‌نتیجه بوده است، آمریکا باید به تعامل با ایران بیندیشد».

یکی دیگر از حوزه‌های مهمی که آمریکایی‌ها به شکست در آن اعتراف کرده‌اند نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است؛ برای مثال «ولید فارس» مشاور سیاست خارجی سابق دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در صفحه رسمی توئیتر خود با بازنشر سرمقاله القدس العربی با عنوان «انتخاب رؤسای سه‌گانه در عراق؛ بُرد سه بر صفر ایران بر آمریکا» نوشت: «همان‌طور که من در طول چند هفته گذشته استدلال و بحث کردم و به خاطر آن هدف انتقاد یک چهارم افراد رادیکال قرار گرفتم، هر سه موقعیت اصلی دولت عراق در حال حاضر در اردوگاه طرفدار ایران است. این چیزی است که روزنامه عربی «القدس» آن را تأیید کرده است. یک کسی در دی سی (واشنگتن) باید به آن پاسخ دهد. پیش از این نیز «مارکو روبریو»، سناتور جمهوریخواه آمریکا و از مخالفان سرسخت ایران در پیامی توئیتری اعلام کرد اینکه گفته می‌شود در انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جدید عراق، نه ایران برنده شده و نه آمریکا، اشتباه است؛ برنده واقعی ایران است.

بنابراین می‌توان گفت نشانه‌های موفقیت انقلاب اسلامی در گام اول علاوه بر دستاوردهای کمی و کیفی که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به طور کلی تشریح شده است، اعترافات آشکار دشمنانی است که چهار دهه برای سرنگونی و نابودی آن تلاش کرده‌اند.

راه حل مشکلات کجاست؟

بدهند و با فرافکنی پس از شش سال از جایگاه پاسخگویی بگریزند. این افراد که بیش از منافع ملی نگران صندوق‌های رأی در اسفند ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ هستند، تلاش می‌کنند با فریب افکار عمومی عوامل دیگری را به عنوان علل وضعیت کنونی اقتصاد کشور معرفی کنند.

در همین راستا، مصطفی تاجزاده، عضو افراطی حزب منحل مشارکت و از عوامل فعال فتنه ۸۸ که در قدرت رسیدن دولت اعتدال نقش آفرین بوده مدعی است: «راحمل مشکلات اقتصادی، سیاسی است. همچنان که در سال ۱۳۹۱ مشکلات اقتصادی کشور با یک تصمیم سیاسی مهار شد. راه نجات میهن در عرصه بین‌المللی مذاکره و تفاهم و در عرصه داخلی انتخابات آزاد است».

واقعیت این است که چنین ادعاهایی از دوم خردادماه سال ۱۳۷۶ از سوی این جریان مطرح بوده است. انتخابات آزاد و درنگی کلان‌تر تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی یا برعکس، بحث دنباله‌دار و بی‌سرانجامی است که این جریان سال‌ها آذنان عمومی کشور را به خود مشغول کرده و فرصت‌های زیادی را از بین برده است. این جریان حتی در تحقق توسعه سیاسی

و مذاکره گام بردارد، آنچه حاصل شد، برجامی بود که امروز پس از شش سال تأثیری در حل مشکلات اقتصادی نداشته است! وضعیت کنونی کشور حکایت از آن دارد که رویکرد اتخاذ شده برای حل مشکلات کشور، پاسخگو نبوده و شعار انتخاباتی روحانی با توجه به راهبرد اتخاذ شده دولت اعتدال از همان ابتدا اشتباه بوده است. دشمن مکررتر از آن بود که بتوان به آن اعتماد کرد و طمع‌آز آن که به قراردادی پایبند بماند ریشه اشتباه راهبردی دولت را باید در بنیان آن یافت که به جای تکیه بر داشته‌ها و توانایی‌های داخلی، تعامل با بیرون را راه‌حل مشکلات کشور می‌دانست. فرصت شش ساله از دست رفته اگر صرف تجهیز و ساماندهی و بسیج نیروهای داخلی برای عبور از تحریم‌ها می‌شد و اگر توان دولت به جای مشغول شدن به بازی‌های دیپلماتیک، به تقویت ساخت درونی کشور معطوف می‌شد، بدون شک شرایط کشور امروز در وضعیت مناسب‌تری بود.

این روزها تقریباً فرد منصفی یافت نمی‌شود که به ناکام بودن راهبرد اتخاذی شش ساله دولت اعتدالی نداشته باشد؛ اما در این میان برخی تلاش می‌کنند تا آدرس غلط به افکار عمومی

و مذاکره گام بردارد، آنچه حاصل شد، برجامی بود که امروز پس از شش سال تأثیری در حل مشکلات اقتصادی نداشته است! وضعیت کنونی کشور حکایت از آن دارد که رویکرد اتخاذ شده برای حل مشکلات کشور، پاسخگو نبوده و شعار انتخاباتی روحانی با توجه به راهبرد اتخاذ شده دولت اعتدال از همان ابتدا اشتباه بوده است. دشمن مکررتر از آن بود که بتوان به آن اعتماد کرد و طمع‌آز آن که به قراردادی پایبند بماند ریشه اشتباه راهبردی دولت را باید در بنیان آن یافت که به جای تکیه بر داشته‌ها و توانایی‌های داخلی، تعامل با بیرون را راه‌حل مشکلات کشور می‌دانست. فرصت شش ساله از دست رفته اگر صرف تجهیز و ساماندهی و بسیج نیروهای داخلی برای عبور از تحریم‌ها می‌شد و اگر توان دولت به جای مشغول شدن به بازی‌های دیپلماتیک، به تقویت ساخت درونی کشور معطوف می‌شد، بدون شک شرایط کشور امروز در وضعیت مناسب‌تری بود.

این روزها تقریباً فرد منصفی یافت نمی‌شود که به ناکام بودن راهبرد اتخاذی شش ساله دولت اعتدالی نداشته باشد؛ اما در این میان برخی تلاش می‌کنند تا آدرس غلط به افکار عمومی

دیدگاه

مهدی سعیدی /

شش سال از آغاز به

کار دولت اعتدال می‌گذرد و فرصت برای ارزیابی

عملکرد آن فرا رسیده است. در طول این سال‌ها،

مشکلات اقتصادی به مهم‌ترین مسائل دولت

بدل شده است. هر چند در عرصه‌های دیگری

مانند فرهنگ، سیاست داخلی و خارجی نیز

مسائل و معضلات زیادی وجود داشت که انتظار

می‌رفت دولت برای حل آنان عملکرد شایسته‌ای

داشته باشد.

در این میان، تز کلیدی دولت برای حل

مشکلات معیشتی مردم همانی بود که در

شعار انتخاباتی آقای روحانی مطرح شد. وی

تنها نامزدی بود که وعده می‌داد با حل مسئله

هسته‌ای از طریق مذاکره، وضعیت اقتصادی را

بهبود خواهد بخشید و معتقد بود: «خوب است

اینجاست که این اظهار نظر مهم

دبیر شورای عالی امنیت ملی از سوی

روزنامه‌های اصلاح‌طلب سانسور شد.

علی مطهری در گفت‌وگو با انصاف

نیوز با بیان اینکه اظهارات شمخانی

مصرف خارجی داشته و برای منفعل

کردن آمریکا بوده تأکید کرد که

«این گفته‌ها درباره برجام موضع

شخصی آقای شمخانی بوده است

که با موضع نظام فاصله دارد؛ چراکه

برجام تصمیم کل نظام از جمله مقام

رهبری بود و به نفع نظام بود و با

وضع فعلی هم به نفع نظام است».

**یارانه هتکفت**

«محمد حیدری» دبیر انجمن

صنعی مدیران رسانه کشور در پیام

توثیتری مدعی شد که بر اساس

اطلاعات منتشر شده در سایت

وزارت ارشاد، روزنامه «شرق» در

چهار سال گذشته حدود ۱۷ میلیارد

۶۰۰ میلیون ریال یارانه دریافت

کرده است؛ در حالی که در طول

این سال‌ها شمارگان این روزنامه به

کمتر از ۵۰۰ نسخه رسیده است.

بولتن نیوز هم نوشت: «روزنامه

شرق در فهرست یارانه روزنامه‌ها

که به‌صورت علی‌الحساب برای

نوبت اول ۹۸ پرداخت شده است،

مبلغ ۱ میلیارد و ۸۴۲ میلیون ریال

دریافت کرده است. با این احتساب

روزنامه شرق از سال ۱۳۹۴ تاکنون

مبلغی بالغ بر ۱۹ میلیارد و ۴۴۲

میلیون ریال از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی یارانه دریافت کرده

است».

حضور میدانی

و تلاش

بسیجیان گردان

«بیت‌المقدس» و

گروهان امام حسین

و پاوران سپاه

ناحیه خداآفرین

برای اطفای حریق

در منطقه ارسباران



ضرب‌المثل

«مگه خونه خاله

است» به روایت

تصور انشتن

غیر دیپلماتیک

و بی‌ادبانه

بوریس جانسون،

نخست‌وزیر

انگلیس در دیدار

با اماتونل مکرون،

رئیس‌جمهور فرانسه



گروه‌های جهادی

در آن سوی مرزها/

پزشکان بسیجی به

شهرهای جنگ‌زده

مانند حلب در

سوریه رفته و به

کودکان و بیماران

آسیب‌دیده در

جنگ با داعش

کمک می‌کنند



هنجارشکنی و اقدام

غیر قانونی سفارت

ایران در مجارستان

در حضور سفیر!

سفارت جزء خاک

کشور محسوب

می‌شود و رعایت

حجاب به عنوان یک

قانون در آن ضروری

است



بزرگ‌ترین حمله

پهپادی یمنی‌ها

به تأسیسات

نفتی عربستان

آنقدر وسیع بوده

که حتی ناسا

هم با انتشار این

تصویر از ادامه

آتش‌سوزی‌ها در

این تأسیسات خبر

می‌دهد

«ریک اسکات»

سناتور و نامزد

جمهوری خواه

فلوریدا، کلی راه از

آمریکا تا فلسطین

اشغالی آمده تا بر

دیوار ندبه نذر کند

دولت قانونی ونزوئلا

و «مادرو» سرنگون

شوند!





یادداشت

## عقب‌نشینی از سرترس و ناامیدی!

□ **سلیمان غفاری** / این روزها چرخش ناگهانی (عقب‌نشینی) امارات به سوی ایران، پرسشی کانونی را در سطح منطقه و جهان ایجاد کرده است. از آن جهت این چرخش ناگهانی پرسش‌برانگیز شده است که کشور امارات و شخص ولی‌عهد ابوظبی روابط بسیار نزدیکی با دونالد ترامپ و دامادش «جرد کوشنر» دارند. همچنین طی دو سال اخیر یکی از پایه‌های اساسی فشار واشنگتن بر ایران بوده و تحریم‌ها را یک به یک اجرا کرده و خود یکی از مشوقان اصلی ترامپ برای خروج از برجام و در پیش گرفتن سیاست فشار حداکثری بر ایران بوده است.

تحلیل‌ها و ژرف‌کاوی‌های تحولات منطقه‌ای، خروج امارات از برخی مناطق در یمن را ناشی از دو علت می‌داند:

الف- توصیه‌های بریتانیا و آمریکا به امارات که پای خود را به کلی از جنگ یمن بیرون بکشد و در این جنگی که از یک‌سوی به یک جنگ فرسایشی و بدون امید پیروزی برای امارات تبدیل شده و از سوی دیگر به یک پرونده حقوق بشری و بین‌المللی تبدیل شده است، راه خود را از عربستان جدا کند.
ب- خروج ابوظبی از یمن، با هدف خنثی‌سازی تهدیدات مستقیم و غیر مستقیمی است که این کشور به واسطه حضور اشغالگرانه در یمن با آنها مواجه است، چنانکه به عنوان دلیل نخست می‌توان به انفجارهای اخیر نفت‌کش‌ها و مورد هدف قرار گرفتن فرودگاه‌ها و انتشار تصاویر آنها در رسانه‌های جهانی اشاره کرد که موجب تشدید هراس امارات از افزایش این تهدیدات و حملات شده است.
دلیل دوم که سبب شد امارات به سمت گفت‌وگو با ایران حرکت کند، سرنوشتی پهباد آمریکایی «گلوبال هاوک» به دست نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و توقیف نفت‌کش بریتانیایی به دلیل رعایت نکردن مقررات حقوق بین‌الملل است.
در واقع، با این اقدامات نیروهای مسلح ایران، ابوظبی از توانمندی و قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران آگاه شده و ترجیح می‌دهد از ادامه رویکرد تنش‌زا با ایران خودداری کند و به حمایت‌های توخالی آمریکا عربستان علیه ایران دل نبندد.

معادلات سیاسی میان ایالات متحده و ایران در خلیج‌فارس، به سرعت در حال دگرگونی است. در این میان، بازیگران منطقه‌ای هر یک به شکل متفاوتی در این بازی شرکت دارند؛ در حالی که قدرت‌های اروپایی، نقش‌ها را تقسیم کرده‌اند و سعی دارند ایران را وادار به تغییر رفتار و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی کنند؛ اما عقب‌نشینی امارات، مثال محکمی برای بازی ایران اسلامی با فاکتوری به نام زمان است؛ زیرا پایداری ایران در ماه‌های آینده می‌تواند منجر به نوسان در تصمیم‌گیری در اروپا شده و آغازی بر اندیشیدن دولت‌های غربی به امنیت ملی خود، به دور از سرکنشی‌های سران آمریکا و بریتانیا باشد. در این شرایط، ممکن است دومینو به نفع ایران و جبهه مقاومت اسلامی جابه‌جا و منتقل شود. این رفتار آمریکا در واقع برای مدیریت این تنش در شرایطی است که اوضاع داخلی این کشور به ویژه بحث انتخابات ریاست‌جمهوری در نوامبر ۲۰۲۰ از یک‌سو آمادگی لازم برای بالا رفتن تنش‌ها از این سطح را ندارد و از سوی دیگر نیز برای دادن امتیازی مستقیم به ایران اصلاً مناسب نیست. همچنین در سایه مخالفت و همراهی نکردن آن با مذاکره یک نوع عقب‌نشینی محسوب شده و بهای انتخاباتی دارد. در خاتمه می‌توان به این جمع‌بندی تحلیلی دست یافت، امارات با درک خطر خصومت با ایران و طولانی‌تر شدن جنگ یمن به سمت ایران آمد تا اعتبار و وحدت داخلی از دست رفته خود را بازگرداند. رویکرد آمریکا در برابر ایران هم در تغییر رفتار سعودی‌ها و اماراتی‌ها بی‌تأثیر نیست. آنها بی برده‌اند که آمریکا در برخورد نظامی با ایران هیچ اراده و توانی ندارد؛ پس چرا آنها با ایران دشمنی و خودشان را گرفتار کنند؟

## رصد

## وآی‌پیش آخرین اخبار منطقه و جهان

**فاینشنال تایمز**: آزادی نفت‌کش ایرانی نشان‌دهنده راهبرد مقاومت دقیق تهران است و روحیه جسورانه و پیروزمندانه آنها را افزایش می‌دهد. این راهبردی است که سپاه پاسداران ایران اجرا کرده و ده‌ها سال است که در مقابل توطئه‌های خارجی برای توجیه گسترش قدرت نظامی خود و نیروهای نیابتی منطقه‌ای از آن استفاده کرده است. این نفت‌کش عمدتاً به این علت آزاد شد که سپاه دو هفته پس از توقیف آن در اقامتی تلافی‌جویانه، نفت‌کنشی با پرچم انگلیس به نام «استنا ایپرو و ۲۳» و خدمه آن را توقیف کرد.

**کامرساننت**: مهم‌ترین مسئله در آینده این است که آزادسازی شهر خان‌شیحون پیروزی‌ای جدی و معتبر برای ارتش سوریه به شمار می‌رود که مواضع روسیه و سوریه را در آستانه نشست سران ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور ماه) تقویت می‌کند.
**رؤسای جمهوری** سه کشور روسیه، ایران و ترکیه باید برنامه‌های راهبردی توسعه روند اوضاع مورد توافق در چارچوب آخرین دور از مذاکرات آستانه را درباره ترکیب کمیته قانون اساسی سوریه بررسی کنند. در این جهت‌گیری ممکن است تغییراتی رخ دهد، از جمله اینکه در برخی توافقات مربوط به ادامه همکاری برخی مناطق استان ادلب و بازگشت آنها به ترکیب کشور سوریه تجدیدنظر شود.
**هاآرتص** : به تازگی شاهد تحولاتی در ائتلاف‌های منطقه‌ای از جمله خروج تدریجی امارات از ائتلاف سعودی بوده‌ایم. به نظر می‌رسد در آینده، نتانیاهو و تل‌آویو مسیر پیچیده‌تری پیش روی خود داشته باشند. ائتلاف ضد ایرانی میان اسرائیل و کشورهای عربی به تدریج در حال تضعیف شدن است. مناقشه میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها نیز مانعی مهم در مقابل بهبود روابط میان اعراب و اسرائیل است. تحولات اخیر در منطقه زنگ هشداری برای اسرائیل به شمار می‌آید و ممکن است در آینده نزدیک شاهد قطع همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی میان تل‌آویو و کشورهای عربی باشیم.

**تی آر تی**: از سال ۲۰۱۱ که بهار عربی در برخی کشورها رخ داد، عربستان و متحدانش فعالانه در بسیاری از کشورها دخالت کرده‌اند تا خواسته‌های دموکراتیک مردم این کشورها را سرکوب کنند. عربستان سعودی و برخی متحدانش به دلایل گوناگون از جمله جنگ یمن و حمایت از خلیفه حفرر ژنرال لیبیایی گرفته تا محاصره قطر، عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه هستند.

**پولومیرگ**: میادین نفتی عربستان سعودی که تقریباً یک دهم نفت خام جهان را تولید می‌کنند، در خط آتش قرار گرفته‌اند و به تازگی از هوا، دریا و زمین به آنها حمله می‌شود. با توجه به اینکه شرکت نفت آرامکو عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان است، تهدید تولید و ترانسپورت نفت در عربستان خطرناک برای عرضه نفت است. عربستان سعودی ۲۵۷ میلیارد دلار نفتی ذخیره شده دارد. شرکت نفت آرامکو عربستان می‌تواند روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت تولید کند. این شرکت روزانه ۷ میلیون بشکه نفت صادر می‌کند که از هر شرکت نفتی دیگری در جهان بیشتر است و نقش این شرکت را به عنوان تولیدکننده‌ای تأثیرگذار نشان می‌دهد.

**اورشلیم (آکادمی علوم استراتژیک و امنیتی)**: در شرایطی که اسرائیل دستخوش انتخابات متعدد است و توجه خود را به تحولات داخلی معطوف کرده، همچنان تونل‌های حفاری شده و تغییرات در نظام ویژه و راهبردی خاورمیانه به ایفای نقش در منطقه می‌پردازند و این به معنای آن استت که عرصه راهبردی امنیتی و سیاسی همچنان چالش‌های خود را به اسرائیل تحمیل می‌کند.

**رای‌الیوم**: مهم‌ترین پیامی که حوثی‌ها می‌خواهند از طریق هدف قرار دادن پایانه‌های الشیبه که مورد منازعه امارات و عربستان است، بفرستند این است: کسی که با پهباد به میدان‌الشیبه دست می‌یابد، می‌تواند به میادین نفتی بزرگ‌تر مانند میدان بزرگ «العور» نیز دست یابد که روزانه حدود ۵ میلیون بشکه نفت تولید کرده و حدود نیمی از تولیدات نفتی عربستان را تشکیل می‌دهد.



## بشکه باروت

## در انتظار اشغالگران

### محمدحسن سجادی /

بحران سوریه، نگرانی از سرایت بحران یا منافع بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در آن، از جمله بحرانهایی بود که موجب تنش در روابط برخی بازیگران و قبض و بسط‌های فراوان در روابط بازیگران ملی و فراملی شده است. در این میان، ایالات‌متحده و ترکیه نیز به عنوان دو کنشگر که پس از ایران و روسیه سهمی از ورود به بحران سوریه برای خود قائل بودند به‌نوعی دچار تنش شدند. با افزایش ششکاف روابط ترکیه و ایالات‌متحده آمریکا به دنبال نزدیکی ترکیه به روسیه و تفاوت رویکردهای دو کشور به سوریه، اختلافات در مورد شرایط شمال سسوریه نیز به موضوع مهمی تبدیل شده است که دو کشور تلاش داشتند به نوعی این مسئله را که نشان‌دهنده تضاد منافع دو کشور در شمال سوریه است حل کنند.

### از اختلاف نظر جدی تا توافق ایجاد «منطقه امن» در شمال سوریه

ترکیه و اردوغان بارها موضع خود را در قبال حمله به نیروهای کردی شمال سوریه ابراز داشته‌اند. اردوغان در ششم آگوست ۲۰۱۹ نخستین مأموریت ترکیه را «پاکسازی شمال سسوریه از تروریسم» خواند و عنوان کرد دور تازه عملیاتی را که دامه «سپر فرات» (۲۰۱۶) و «شاخه زیتون» (۲۰۱۸) خواهد بود، در آینده نزدیک انجام خواهیم داد. البته این اظهار نظر اردوغان با واکنش‌هایی از سوی ایالات‌متحده روبه‌رو شد. این واکنش‌ها به این سبب بود که اختلاف نظر جدی میان دو کشور در مورد نیروهای کرد شمال سوریه وجود دارد. نیروهای کرد فعال در شمال سوریه تحت حمایت آمریکا هستند؛ اما آنکارا آنها را در ارتباط نزدیک با پ.ک.ک تعریف کرده است.

با توجه به چنین شرایطی، ایالات‌متحده به دنبال آن بود تا مانع حمله ترکیه شود که در نهایت منجر به مذاکرات دوجنبه و در نتیجه توافق بر سر ایجاد «منطقه امن» در شمال سوریه شد. در این خصوص وزارت دفاع ترکیه عنوان کرد «درباره تأسیس «مرکز عملیات مشترک» در ترکیه در کوتاه‌ترین زمان به‌منظور اجرای نخستین تدابیر برای ایجاد

### فرارو

## نشانه افول

□ **محمدرضا مرادی** / کشتی نفت‌کش ایرانی گریس-۱ حامل دو میلیون بشکه نفت خام بالاخره پس از یک‌ونیم ماه توقیف غیر قانونی، با حکم دادگاه جبل الطارق آزاد شد. این مسئله شکستی برای انگلیس و آمریکا به شمار می‌رود.

دولت آمریکا در راستای سیاست فشار حداکثری به ایران به دنبال به صفر رساندن فروش نفت ایران است که در این مسیر مقابله با نفت‌کش‌های حامل نفت ایران یکی از روش‌های اجرای این سیاست محسوب می‌شود؛ به همین دلیل دولت انگلیس به نیابت از آمریکا و با استفاده از نفوذ خود در جبل الطارق، نفت‌کش ایران را به پهنانه‌های واهی توقیف کرد، مسئله‌ای که کاملاً برخلاف موازین حقوقی در عرصه بین‌الملل است، اما ایران برخلاف اتحاد غیر حقوقی لندن، نفت‌کش انگلیسی را که به هشدارهای محیط زیستی ایران بی‌توجه بود، در خلیج‌فارس توقیف کرد.

این مسئله سبب شد تا انگلیس از طریق واسطه‌های زیادی خواستار رفع توقیف نفت‌کش خود شود؛ اما ایران با اقتدار تمام در برابر فشارهای همه‌جانبه انگلیس و آمریکا ایستاد و در نهایت این دو کشور را وادار به عقب‌نشینی کرد. توقیف نفت‌کش انگلیس سبب شد تا اقتدار دریایی ایران برای کشورهای غربی اثبات شود. در واقع غربی‌ها تصور این اقدام قاطع از سوی ایران را نداشتند و غافلگیر شدند. توقیف نفت‌کش ایرانی با تحریم دولت ترامپ و به دلایل غیر قانع‌کننده، اشتباه بزرگ دولت انگلیس بود. به گزارش روزنامه رأ‌الیوم، ایرانی‌ها از حق مشروع خود در برخورداری از زندگی کریمانه و ابزارهای قدرت برای دفاع از خود در برابر این تجاوزگری استکباری آشکار آمریکا دست برندخواهند داشت.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای راهبردی آزادسازی کشتی گریس-۱ به طور حتم ضربه به تلاش‌های آمریکا برای تشکیل ائتلاف دریایی ضد ایرانی در منطقه خلیج‌فارس است. در شرایط کنونی بسیاری از متحدان آمریکا با این ائتلاف مخالفت کرده و آن را عامل تشدید تنش در منطقه می‌دانند. در شرایط کنونی، پیروزی ایران در ماجرای توقیف نفت‌کش سبب شد تا کشورهای گوناگون به این نتیجه برسند که ایران در برابر دفاع از منافع و امنیت خود و منطقه با اقتدار تمام عمل می‌کند؛ به همین دلیل این مسئله ضربه‌ای دیگر به طرح آمریکا در خلیج‌فارس است.

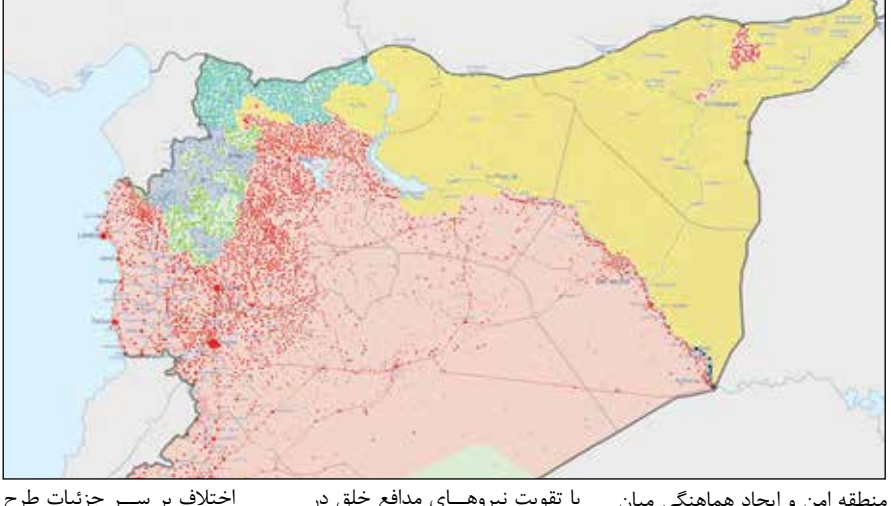
مسئله دیگر به شکست آمریکا در عرصه بین‌الملل مربوط است. به تازگی نشریه «فان‌افرز» در پرونده‌ای با قلم استادان روابط بین‌الملل مانند فرید زکریا، به بررسی نشانه‌های افول هژمونی آمریکا پرداخت. در این پرونده به صراحت پایان ابرقدرتی آمریکا اعلام شد؛ به این معنا که به تدریج کشورهای اروپایی و متحدان واشنگتن نیز به دستورات و خواسته‌های آمریکا توجهی نمی‌کنند. نمونه این مسئله از سوی دولت جبل‌الطارق رخ داد. پس از اینکه قاضی دادگاه عالی جبل‌الطارق حکم پایان توقیف نفت‌کش گریس‌را صادر کرد، وزارت دادگستری آمریکا نامه‌ای به مقامات قضایی جبل‌الطارق ارسال کرده و از آنها خواسته بود توقیف نفت‌کش گریس را تمدید کنند؛ اما دادگاه عالی جبل‌الطارق با بی‌اعتنایی به فشارها و درخواست رسمی آمریکا برای تمدید توقیف نفت‌کش گریس، حکم آزادی آن را صادر کرد. این مسئله شکستی راهبردی برای آمریکا به شمار می‌رود.

در نهایت باید تأکید کرد که ماجرای توقیف نفت‌کش ایران از سوی انگلیس و اقدام ایران در توقیف کشتی انگلیسی و در نهایت عقب‌نشینی لندن در برابر تهران نشان داد مهم‌ترین ابزار مقابله با زیاده‌خواهی‌های کشورهای غربی، زبان اقتدار و قدرت است؛ زیرا امروز حاکم بر عرصه بین‌الملل زبان قدرت بوده و کشورها در صورتی که از خود عجز و ضعف نشان دهند باید شاهد فشارهای بیشتر از سوی کشورهای غربی باشند. بسیاری از کارشناسان معتقدند در ماجرای توقیف نفت‌کش انگلیس از سوی ایران، نیروهای سپاه پاسداران به حاکمیت انگلیس بر دریاها خاتمه دادند و این بزرگ‌ترین شکست برای انگلیس به شمار می‌رود.

«اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم. عملیات قهرمانانه گروه‌های مقاومت فلسطینی در غرب رام‌الله هشداری به صهیونیست‌هاست؛ به اینکه از بشکه باروتی که در قدس و مسجدالاقصی منفرج می‌شود، دوری گزینند.»

نگاهی به ابعاد و زوایای توافق ترکیه و آمریکا در شمال سوریه

# آتش زیر خاکستر



منطقه امن و ایجاد هماهنگی میان ترکیه و آمریکا در این راستا به توافق دست یافتیم.»

### نکات مهم توافق اخیر

به نظر می‌رسد چند نکته در مورد توافق اخیر قابل ذکر است.

۱- توافقی در سایه بی‌اعتمادی و «تنش‌های انباشتی»

اینکه توافق اخیر تا چه زمانی بتواند پایدار باشد، به متغیرهای زیادی بستگی دارد که شامل حل اختلافات دو کشور در سایر حوزه‌ها نیز می‌شود. به عبارت دیگر متغیرهای نخستین مأموریت ترکیه را «پاکسازی شمال سسوریه از تروریسم» خواند و عنوان کرد دور تازه عملیاتی را که دامه «سپر فرات» (۲۰۱۶) و «شاخه زیتون» (۲۰۱۸) خواهد بود، در آینده نزدیک انجام خواهیم داد. البته این اظهار نظر افزایش مالیات کالاهای وارداتی از سوی آمریکا علیه ترکیه و اختلاف

بر سر پرونده فتح‌الله گولن از جمله این اختلافات است که فهم مشترک آنکارا و واشنگتن از بحران سوریه را تحت تأثیر اختلافات دیگر قرار داده است. بر این اساس نوعی بی‌اعتمادی متقابل میان دو کشور در مورد سوریه نیز وجود دارد.
۲- حمایت آمریکا از نیروهای YPG و ایجاد بحران جدید برای ترکیه
دوم در مورد تداوم و تعمیق شکاف در روابط دو کشور، اختلاف نظر در کردهای شمال سوریه، حمایت آمریکا از نیروهای YPG و مرتبط دانستن این گروه با پ.ک.ک. از سوی ترکیه است. از نظر ترکیه

از تقویت جبهه مقابل آمریکا در غرب آسیا را موجب شده است. در این حالت، ترکیه اهرم فشار قدرتمندی علیه آمریکا به دست آورده که این کشور را میان دو گزینه پذیرش منطقه حائل امن در شمال سوریه طبق برنامه ترکیه یا حمله ترکیه به شرق فرات مردد کرده است.
۴- «آتش زیر خاکستر» به نام «منطقه امن»

«اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم. عملیات قهرمانانه گروه‌های مقاومت فلسطینی در غرب رام‌الله هشداری به صهیونیست‌هاست؛ به اینکه از بشکه باروتی که در قدس و مسجدالاقصی منفرج می‌شود، دوری گزینند.»

### نگاهی به ابعاد و زوایای توافق ترکیه و آمریکا در شمال سوریه

# آتش زیر خاکستر

منطقه امن و ایجاد هماهنگی میان ترکیه و آمریکا در این راستا به توافق دست یافتیم.»

اینکه توافق اخیر تا چه زمانی بتواند پایدار باشد، به متغیرهای زیادی بستگی دارد که شامل حل اختلافات دو کشور در سایر حوزه‌ها نیز می‌شود. به عبارت دیگر متغیرهای نخستین مأموریت ترکیه را «پاکسازی شمال سسوریه از تروریسم» خواند و عنوان کرد دور تازه عملیاتی را که دامه «سپر فرات» (۲۰۱۶) و «شاخه زیتون» (۲۰۱۸) خواهد بود، در آینده نزدیک انجام خواهیم داد. البته این اظهار نظر افزایش مالیات کالاهای خروجی از سوی آمریکا علیه ترکیه و اختلاف

بر سر پرونده فتح‌الله گولن از جمله این اختلافات است که فهم مشترک آنکارا و واشنگتن از بحران سوریه را در نظر گرفته و بر عمق اصرار دارد. از سسوی دیگر خروج کامل نیروهای کرد YPG از منطقه حائل، جمع‌آوری سلاح‌های سنگین آمریکایی از این مناطق و تخلیه پایگاه‌های نظامی YPG در منطقه حائل را در نظر دارد؛ در حالی که آمریکا تقریباً با تمامی این موارد مخالف است. آمریکا یک منطقه حائل با عمق ۱۰ کیلومتری و بدون حضور انحصاری نیروهای ترک را در نظر دارد. با تمام این تفاسیر کنشگر سومی که در ایسن باره اهمیت دارد YPG است. این نیروها اگرچه منطقه حائل را پذیرفته‌اند، طرح آنان منطقه‌ای در عمق پنج کیلومتر بدون در بر گرفتن شهرهای مرزی و بدون حضور هیچ نیروی نظامی ترکیه است.

علاوه بر این هر دو کشور غیر از اختلافاتی که دارند، اهداف متفاوتی نیز دنبال می‌کنند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

**اهداف آمریکا و ترکیه از ایجاد «منطقه امن»**

۱- ترکیه به دنبال بسترسازی برای بازگرداندن پناهندگان سوری به منطقه امن در شرق فرات است. بر این اساس به نظر می‌رسد طرحی که ترکیه در عفرین به شکل گسترده‌ای اجرا کرده، برای شرق فرات نیز محدودتر شود و در تنگنا قرار بگیرد.

### روزنه

### فراز از شکست؟

□ **محمد صادق مصطفوی** /

ایالات متحده در پی آنچه افزایش تنش در خلیج‌فارس می‌نامد و شکست‌های متوالی خود مانند انهدام پهباد متجاوز فوق پیشرفته ارتش این کشور در خلیج‌فارس، یا توقیف نفت‌کش متخلف انگلیسی تلاش دارد با تشکیل «ائتلاف دریایی» در جغرافیای خلیج‌فارس رفتار دولت‌های حاضر در این منطقه، به ویژه ایران را در کنترل خود در آورد؛ هدفی که ذیل عنوان «محافظت از دریانوردی آزاد در خلیج‌فارس» پنهان شده است و ماهیتی نظامی– امنیتی دارد؛ در حالی که تاکنون همه کشورها از پیوستن به این ائتلاف خودداری کرده‌اند؛ اما اعلام حضور رژیم صهیونیستی در ائتلاف مذکور، یکی از نکات بحث‌برانگیز در این زمینه است.

۲-هدف دیگر ترکیه تلاش برای حفظ خط قرمزهای خود در قبال سوریه به ویژه کردهای این کشور است.
۳- علاوه بر این ترکیه نشان داده که تمایل دارد به عنوان بازیگر منطقه‌ای خارج از دایره ناتو و چتر آمریکا فعالیت داشته باشد که این موضوع به ویژه پس از تغییر رویکرد ترکیه به غرب آسیا پس از تحولات ۲۰۱۱ مشهودتر بوده است.
۴- برای ایالات متحده نیز حفظ دستاوردهای حداقلی در سوریه و تمرکز بر تربیت نیروهای همسو با سرمایه‌گذاری بر نیروهای کرد منظر قرار می‌گیرد؛ موضوعی که در آینده می‌تواند اهرم فشاری علیه دولت ترکیه و سوریه باشد.

۵- نکته دیگر اینکه ایالات متحده تلاش دارد با حفظ نیروهای مورد حمایت خود در سوریه بخشی از بحران سسوریه را کنترل کند تا در زمانی که شرایط داخلی این کشور برای ایالات متحده مطلوب نبود از ایسن موضوع برای تغییر نظم داخلی سوریه استفاده کند. به عبارت دیگر وجود نیرویی معترض همواره به ایالات متحده این امکان را می‌دهد که دولت سوریه را تحت فشار قرار دهد یا آن را به بحران دیگری بکشاند.

### جمع‌بندی

در نهایت باید عنوان کرد دامنه اختلافات طرفین منجر به کوتاه مدت بودن توافق می‌شود و این مسئله به تداوم تنش در شمال سوریه می‌انجامد. درواقع شمال سوریه قربانی نوسان روابط ترکیه و ایالات متحده خواهد بود. نکته دیگر اینکه اختلاف ریشه‌ای بر سر تروریست بودن یا نبودن کردهای شمال سوریه میان دو کشور موضوعی نیست که با توافق حل شود و حداقل برای ترکیه پیشینه تاریخی طولانی دارد.

در کنار ایسن اختلافات، هر دو کشور با توجه به جایگاه ایران و روسیه در سسوریه تلاش می‌کنند تا حداقل دستاوردهای خود را در سوریه حفظ کنند. با وجود این نزدیکی ترکیه به روسیه و ایران پیش‌بینی می‌شود ایالات‌متحده در سوریه بیش از این محدودتر شود و در تنگنا قرار بگیرد.

## پنجره

## پروژه آمریکا علیه مقاومت

□ **نوبد کمالی** / در پی حوادث اخیر عراق که طی آن برخی پایگاه‌های نظامی وابسته به نیروهای جبهه مقاومت هدف حمله قرار گرفتند، بحث شناسایی منبع اصلی طراحی و اجرا این حملات به یکی از مهم‌ترین محورهای خبری و تحلیلی رسانه‌های جهان بدل شده است؛ زیرا این حملات علاوه بر ایجاد تلفات انسانی و تهدید امنیت روانی منطقه، خطر شروع دور جدیدی از تنش‌آفرینی در غرب آسیا را با هدف بر هم زدن ثبات داخلی عراق و مقابله با آنچه نفوذ جمهوری اسلامی ایران خوانده می‌شود بیش از پیش گوشزد می‌کند.

تاکنون رسانه‌های عربی انفجارهای اخیر را در نتیجه حمله هوایی یا موشکی و برخی حتی ناشی از خرابکاری در داخل پایگاه‌ها دانسته‌اند، اما به طور مشخص طی روزهای گذشته شاهد تلاش کم‌سابقه رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی برای معرفی رژیم صهیونیستی به عنوان عامل اصلی طراحی و اجرای این حملات علیه پایگاه‌های گروه‌های مقاومت عراقی با محوریت حشدالشعبی هستیم؛ به طوری که این رسانه‌ها در راستای اثبات ادعای خود به اظهارات بنیامین نتانیاهو در اوکراین اشاره می‌کنند که درباره حملات مشکوک اخیر و پاسخ به پرسشی درباره دامنه اقدامات این رژیم علیه ایران مدعی شده: «ایران در هیچ جایی مضمون نیست» و در ادامه هم تأکید کرده: «ما هر کجا که لازم باشد علیه آنها وارد عمل خواهیم شد و وارد عمل هم شده‌ایم.»

البته وی به طور مشخص از عراق نام نبرده؛ اما با توجه به تحرکات اخیر رژیم و نگرانی آنها از آنچه لبنانی شدن عراق خوانده می‌شود، این رسانه‌ها تأکید دارند که رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از جنگنده‌های F-۳۵ رادار گریز خود دست به حملات پیشگیرانه زده تا از این طریق مانع تبدیل شدن پایگاه‌های نیروهای مقاومت به رزادخانه تسلیحات نقطه‌زن ضد این رژیم شود! با این حال اگر به زوایای کمتر دیده شده این تحولات نگاهی دقیق داشته باشیم، واضح خواهد بود که هدف از تأکید بر نقش رژیم صهیونیستی، پنهان کردن رد پای عامل اصلی وقوع این حملات یعنی آمریکااست؛ زیرا کاخ سفید هر چند پیگیر مهار ایران و متحدانش است، مایل نیست منافع و پایگاه‌هایش در جغرافیای عراق در خطر قرار گیرد.

از سوی دیگر، پس از جنجال‌های استقرار سامانه راداری و پدافندی S۴۰۰ در سوریه و ترکیه و ماجرای شناسایی و سرنوشتی پهباد «گلوبال هاوک» از سوی ایران که از فناوری رادار گریزی مشابهی با F-۳۵ استفاده می‌کند، بدون شک غیر منطقی است در این برهه زمانی آمریکا اجازه استفاده رژیم صهیونیستی از این جنگنده را در خارج از سرزمین‌های اشغالی صادر کند؛ زیرا در شرایط فعلی وقوع هرگونه حادثه‌ای برای تجهیزاتی نظامی ساخت آمریکا می‌تواند بازار صادرات تسلیحات آمریکا را با چالش جدی روبه‌رو کند و موجب کاهش اعتبار فناوری‌های نظامی این کشور در مقابل نمونه‌های شرقی شود که این مسئله در جنگ تجاری آمریکا، روسیه و چین قابل توجه است.

پهپاد‌های حمله‌کننده به پایگاه‌های مقاومت نه‌ه از خارج عراق، بلکه از نقطه‌ای در داخل خاک این کشور پرواز کرده‌اند، بنابراین با توجه به گزاره‌های موجود به نظر می‌رسد اتاق عملیات روانی کاخ سفید تلاش می‌کند در راستای جلوگیری از هدف قرار گرفتن منافع این کشور در خاک عراق، به ویژه پایگاه‌های نظامی با هماهنگی نتانیاهو این رژیم را عامل این حملات معرفی کند!

البته استقیال نتانیاهو از این طرح آمریکایی ناشی از پیش‌رو بودن انتخابات پارلمانی و نیاز او به چهره‌ای کاربزماس‌ت؛ زبراً سرنوشت معامله قرن ترامپ به نتیجه انتخابات رژیم صهیونیستی گره خورده و شکست نتانیاهو در این انتخابات در واقع به عنوان شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ تفسیر می‌شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت جنجال‌سازی‌های اخیر رسانه‌های غربی– عبری درباره نقش رژیم صهیونیستی در واقع بازی رسانه‌ای برای ایجاد انحراف نسبت به تلاش آمریکا در راستای تضعیف و حذف تدریجی گروه‌های مقاومت از معادلات امنیتی و سیاسی عراق است.

<sup>[1]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[2]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[3]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[4]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[5]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[6]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[7]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[8]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[9]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[10]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[11]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[12]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[13]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[14]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[15]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[16]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[17]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[18]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[19]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[20]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[21]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[22]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[23]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[24]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[25]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[26]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[27]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[28]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[29]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[30]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[31]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[32]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[33]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[34]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[35]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[36]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[37]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم

<sup>[38]</sup> «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش اسلامی حماس گفت: «ما در جبهه غزه برای یاری قدس و حق بازگشت می‌کنیم



## تعیین قیمت ارز در داخل کشور

«وحید شقاقی» کارشناس مسائل اقتصادی درباره دلایل تشکیل بازار متشکل ارزی اظهار داشت: «بازار متشکل ارزی شکل می‌گیرد تا صرفاً به هم مرتبط و نیازهای خرد مردم در این بازار تأمین شود. این بازار همچون بورس از ۸ و نیم صبح خرید و فروش ارز را اعلام کرده تا مردم نیاز ارزی خود را تأمین کنند و به جای آنکه قیمت ارز در دبی و سلیمانیه تعیین شود، در همین بازار کشف قیمت صورت می‌گیرد.»

بازخوانی دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره مبارزه با فساد

## باید لباس مبارزه به تن کرد



نه فقط با همدیگر منافی نمی‌دانیم، بلکه بنده اینها را مکمل هم می‌دانم. (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های مسئولان کشور - از جمله رئیس جمهوری محترم - تعقیب مفاسد مالی و اقتصادی است که باید در برنامه دولت قرار گیرد. البته قوه قضائیه و قوه مقننه هم در این زمینه مسئولند و خوشبختانه همکاری‌هایی هم می‌کنند. این مبارزه باید جدی شود و خود را در مرحله عمل نشان دهد. مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی یکی از کارهایی است که به گشایش اقتصادی کشور هم کمک خواهد کرد. یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاه‌های فساد است که به‌شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد. لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.

**پیشگیری مهم‌تر از برخورد**

در داخل تشکیلات دولتی، اهمیت مبارزه با فساد اقتصادی بیشتر است از عین همین کار در دستگاه قضایی. دستگاه قضایی مجازات مفسد را بر عهده دارد، دستگاه اجرایی جلوگیری از بروز فساد را بر عهده دارد؛ این مهم‌تر است؛ این پیشگیری است. در پیچ و خم دالان‌های گوناگونی اجرایی است - چه در مرحله برنامه‌ریزی، چه در مرحله اجرا - که فساد جان می‌گیرد؛ این میکروب‌های فساد به وجود می‌آیند و رشد می‌کنند و تکثیر می‌شوند؛ جلوی اینها را باید گرفت. (۱۳۸۴/۲/۹)

بنابراین ایشان، فرمان مهمی را در تاریخ دهم اردیبهشت سال ۱۳۸۰ زمینه مبارزه همه‌جانبه و سازمان‌یافته با مفاسد مالی و اقتصادی، خطاب به سران قوا صادر کردند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه معتقدند که از بین رفتن ریشه‌ها و زمینه‌های فساد مالی و به طور کلی اقتصادی در اقدام و عملکرد محسوس و اثرگذار، دستگاه‌های مسئول به ویژه قوای سه‌گانه مسئولیت‌های خود را بیش از پیش و جدی‌تر دنبال کنند تا اهداف مدنظر نیز تحقق یابد.

**مبارزه با فساد مقدمه جذب سرمایه**

در اهمیت مبارزه با فساد، هر چند گاهی مبارزه با فساد عاملی برای دفع سرمایه مطرح می‌شود، اما رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: اتفاقاً مبارزه با فساد، سرمایه‌گذار سالم را که قصد فسادانگیزی و سوءاستفاده ندارد، به کار تشویق می‌کند. اخیراً گزارشی از یک سازمان معتبر بین‌المللی خواندم که درباره همین مسائل کار می‌کند. این سازمان اعلام کرده که یکی از موانع اصلی سرمایه‌گذاری در بعضی از کشورها عبارت است از فساد اقتصادی. اینها می‌گفتند مبارزه با فساد جزء موانع سرمایه‌گذاری است؛ ببینید چقدر فاصله است! مبارزه با فساد مطرح می‌شود؛ به جای اینکه عناصر دست اندر کار استقبال کنند و در حد وظایف خود ایفای نقش کنند، به عکس عمل می‌کنند. (۱۳۸۴/۲/۱۹)

همان چند سال پیش که بنده اول‌بار راجع به مفاسد اقتصادی صحبت کردم، بعضی از مسئولان در ذهن‌شان این بود که ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. من گفتم نه، آن کسانی که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند، خوشحال می‌شوند از اینکه یک عده کلاش و قلاش و کلاهبردار و پشت‌هم‌انداز و قانون‌شکن در میدان نباشند، راه‌ها را نبینند، اینها را بدنام نکنند. ما این دو تا را

**بازی با رأی مردم**

زبان بزرگ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی این است که پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسئولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت می‌کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند. بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند.

**مبارزه با مفاسد اقتصادی که به گشایش اقتصادی کشور هم کمک خواهد کرد. یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاه‌های فساد است که به‌شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.**

ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بیسن مردم و نخبگان و زیدگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترقیها ففسقوا فیها». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست. ضرر پنجم اینکه وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدم‌های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند. مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. (۱۳۸۱/۱۰/۱۹)

ضرر دوم این است که کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند. ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسئولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت می‌کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند. بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند.

ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بیسن مردم و نخبگان و زیدگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترقیها ففسقوا فیها». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست. ضرر پنجم اینکه وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدم‌های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند. مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. (۱۳۸۱/۱۰/۱۹)

**علی رضایی / فساد عاملی**

است که می‌تواند به مثابه معضلی عظیم موجب شکنندگی اقتصاد شود؛ زیرا با ایجاد ناامیدی در میان آحاد جامعه و حتی فعالان و بنگاه‌های اقتصادی انگیزه آنان نسبت به فعالیت مستمر و اطمینان‌بخش در حوزه سرمایه‌گذاری و عملکرد اقتصادی کم و کمتر می‌شود. باید توجه داشت که اگر در مواجهه با پدیده شوم فساد اقدامی قاطعانه و به دور از هرگونه شعار و بر اساس عمل انجام نگیرد، منابع و ظرفیت‌های موجود در کشور از مسیر صحیح و مناسب خارج می‌شود؛ به گونه‌ای که موجبات کاهش بهره‌وری و عدم جذب سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم می‌شود. در همین راستا، اگر بخواهیم خلاصه‌ای از ضررهای فساد اقتصادی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب را مورد توجه قرار دهیم، لازم است بیانات ایشان در جلسات و دیدارهای گوناگون با اقسام مختلف مردم و مسئولان را مرور کنیم:

**مدیر فاسد؛ پایگاه دشمن**

اولین ضرر فساد این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود. ضرر دوم این است، کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذار نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پردرآمدتر تولید و مقدمات آن و راه‌های طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فسادانگیز شود. یک فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشاند و تشویق می‌کند. بنابراین

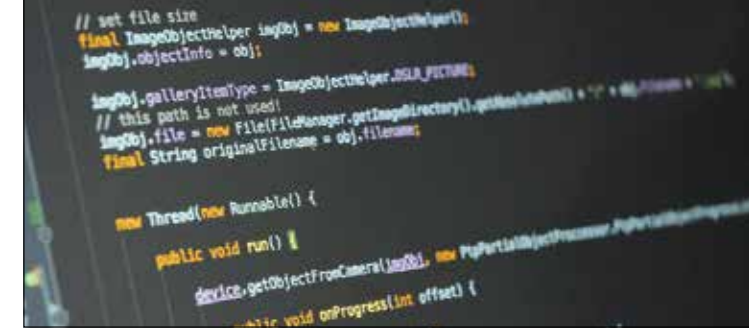
«سوداگری» در مفهوم بنیادی خود به معنای بازرگانی، تجارت، دادوستد یا در فرم عام‌پسند آن «معامله‌گری» است که در زرفای آن روح مقابله با صنعت‌گری نهفته است. گاه سوداگران یگانه عامل جلوگیری از صنعتی شدن و ورود فناوری به یک کشور هستند. از قدیم یک تاجر قوی یا معامله‌گر خیره را کسی می‌دانستند که بتواند هر چیز قابل معامله‌ای را با قیمت کمتر بخرد و با قیمت بالاتری در بازار بفروشد. این ماهیت در برخی مواقع موجب می‌شود سوداگران در کشورهای در حال توسعه او وابسته به واردات، انگیزه صرفاً مبتنی بر کسب سود بیشتر، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصاد کشور وارد کنند. جهت معامله سوداگر می‌تواند تعیین کند که عمل آن به نفع اقتصاد است یا خیر؛ اگر سوداگران کالاهای داخلی را از تولیدکنندگان خریداری کرده و با قیمت مناسب در بازارهای خارجی بفروش برسانند، این امر به معنای ورود ارز به داخل کشور و تقویت اقتصاد کشور است. حال تا جهت مخالف این باشد و تجار با هدف سود بیشتر کلیه تمرکز خود را بر واردات کالا از سایر کشورها به داخل مرزهای وطنی معطوف کنند، به گونه‌ای که بدون توجه به بازارها و شرکت‌های تولیدی داخلی، کارآفرینان و فعالان اقتصادی، هر آنچه سودده باشد، وارد کشور کنند که چه سود و برخی از این کالاها به مثابه خراج برخی تولیدکنندگان از عرصه اقتصاد باشد می‌تواند برای اقتصاد بسیار آسیب‌زا باشد. در داخل مرزهای کشور نیز سوداگری می‌تواند تأثیری مثبت یا منفی بر اقتصاد داشته باشد. سوداگر می‌تواند بین تولیدکننده و مصرف‌کننده قرار بگیرد و به توزیع سریع و افزایش میزان فروش کمک کند؛ اما گاه سوداگران از خلأ اطلاعاتی بین فروشندگان و مصرف‌کنندگان استفاده می‌کنند و کالاها را که با قیمتی پایین از تولیدکننده خریداری کرده و با قیمت به مراتب بالاتر به مصرف‌کنندگان می‌فروشند. سوداگری با سرمایه‌گذاری تفاوت دارد. به طور خلاصه سوداگری به معنای پیگیری سود است؛ اما سرمایه‌گذاری به معنای پیگیری کسب درآمد در طول زمان است. سرمایه‌گذار پول خود را در یک فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کند تا بتواند در انتهای یک دوره خاص، با به بهره‌برداری رسیدن آن فعالیت، مانند تولید کفش از بازده پول خود کسب درآمد کند. وجود درجه‌ای از سوداگری در بازارهای مختلف به منظور تهییج رفتار مردم برای خرید و فروش کالاها یا سهام شرکت‌ها ضروری است؛ اما اگر انگیزه غالب دارندگان منابع مالی بر سوداگری متمرکز باشد، نمی‌توان انتظار داشت بخش صنعت کشور توسعه پیدا کند. سوداگران سود بیشتر در مدت زمان کمتر می‌خواهند؛ در حالی که سرمایه‌گذاری یک فرایند اقتصادی با بازه زمانی به مراتب طولانی‌تر است. اگر انتظار از کاهش منابع بانکی، افزایش حضور صاحبان منابع مالی در بخش تولیدی کشور است باید با سوداگران بزرگ که در هر بازاری تنها به دنبال سود شخصی خود هستند مقابله کرد. وضع قوانین مناسب و نظارت دولت بر بازارها تحت چنین شرایطی ضروری به نظر می‌رسد.

رهبر معظم انقلاب در حالی که سرمایه‌گذاری یک فرایند اقتصادی با بازه زمانی به مراتب طولانی‌تر است. اگر انتظار از کاهش منابع بانکی، افزایش حضور صاحبان منابع مالی در بخش تولیدی کشور است باید با سوداگران بزرگ که در هر بازاری تنها به دنبال سود شخصی خود هستند مقابله کرد. وضع قوانین مناسب و نظارت دولت بر بازارها تحت چنین شرایطی ضروری به نظر می‌رسد. رهبر معظم انقلاب در حالی که سرمایه‌گذاری یک فرایند اقتصادی با بازه زمانی به مراتب طولانی‌تر است. اگر انتظار از کاهش منابع بانکی، افزایش حضور صاحبان منابع مالی در بخش تولیدی کشور است باید با سوداگران بزرگ که در هر بازاری تنها به دنبال سود شخصی خود هستند مقابله کرد. وضع قوانین مناسب و نظارت دولت بر بازارها تحت چنین شرایطی ضروری به نظر می‌رسد.

## تکاپو

در گفت‌وگو با یک کارشناس برنامه‌نویس مطرح شد

## اشتغالزایی با «برنامه‌نویسی»



**اکبر کریمی / «برنامه‌نویسی» شاخه‌ای از مهندسی نرم‌افزار است که عمر مفید آن در کشور ما به حدود دو دهه پیش برمی‌گردد. با این حال، هم‌اکنون در کشور جوانان و متخصصان زیادی را می‌توان یافت که تحصیلات تکمیلی را به اتمام رسانده‌اند و در این حرفه فعالیت دارند یا در حال تحصیل در آن هستند؛ از این رو یکی از ظرفیت‌های بالای کارآفرینی و اشتغالزایی کشور، در حوزه برنامه‌نویسی وجود دارد.**

بر اساس قابلیت‌های موجود در حوزه کسب‌وکار برنامه‌نویسی، می‌توان مدعی شد با سرمایه اولیه پایین نیز امکان اشتغالزایی در آن فراهم است. در واقع می‌توان گفت، بیشتر برنامه‌نویس‌های برتر امروز با شرکت‌های برنامه‌نویسی مشهور کشور، فعالیت خود را با سرمایه محدود و مراحل ابتدایی شروع کرده‌اند.

**مهندس مجید کریمی «برنامه‌نویس زنجانی**

در این زمینه می‌گوید: «برای شروع کسب‌وکار در حوزه IT، به ویژه برنامه‌نویسی، چند عامل مهم مطرح است که سطح فعالیت را از ساده تا پیچیده متغیر می‌کند. این عوامل شامل میزان کسب درآمد مورد انتظار، نوع برنامه، میزان حساسیت کار و نیاز مشتری، نیاز یا عدم نیاز برنامه به امور پشتیبانی، توسعه‌پذیری، افق بازار و بازاریابی، حسابداری امور مالیاتی، تعداد اعضای فعال در پروژه‌ها و مسائل پیرامونی آن و... می‌شود که با نگاه به موارد مطرح شده، سه سطح فعالیت برای شروع برنامه‌نویسی قابل تصور است:

**سطح اول: برنامه‌نویسی با نیروی محدود و زمان متمرکز**

در این سطح، تفهیم موضوع و دریافت خواسته مشتری طی جلسات محدودی نیازسنجی شده و نرم‌افزار طی مدت یک تا سه ماه نوشته می‌شود. این گونه برنامه‌ها معمولاً نیاز چندانی به توسعه و ارتقای سطح بعد از تحویل پروژه ندارند. مشتریان این سطح از برنامه‌نویسی‌ها، کسب‌وکارهای صنفی و خردفروشی و نیازمندان به نرم‌افزارهای به اصطلاح جزء هستند. تنها سرمایه مورد نیاز برای شروع کار در این

شرکت در دوره‌های برنامه‌نویسی مراکز آموزشی، کتاب و مقاله و به صورت تجربی با کارآموزی در شرکت‌های برنامه‌نویسی فرا گرفت. افزون بر این، وی آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش یادگیری برنامه‌نویسی را بهره‌گیری از محصولات چند رسانه‌ای پایگاه‌های آموزشی در این زمینه می‌داند. امروزه پایگاه‌های آموزشی زیادی در فضای سایبر فعال هستند که دوره‌های برنامه‌نویسی مختلفی را در سطوح گوناگون ارائه می‌دهند و این دوره‌ها غالباً از سوی استادان مجرب و حرفه‌ای آموزش داده می‌شود.

**شغلی نو در دسته مشاغل خانگی**

ویژگی برتر دیگر این کسب‌وکار، نیاز نداشتن به دریافت مجوز فعالیت برای آن است. البته ممکن است در مراحل بعدی، مانند فعالیت کردن یک اپلیکیشن یا معرفی امکانات یک برنامه به بازار، به دریافت و ذخیره اطلاعات کاربران و خرید و فروش اینترنتی و مواردی از این قبیل نیاز باشد که طبیعتاً باید کارهای اداری برای دریافت مجوز این گونه امور انجام شود.

با توسعه وسایل ارتباط جمعی، دیگر لازم نیست یک برنامه‌نویس برای بازاریابی و تبلیغات، مجازی، ایجاد پایگاه اینترنتی برای معرفی توانمندی‌ها و محصولات تولیدی و... ضروری به نظر می‌رسد. هزینه برآورد این سطح از کسب‌وکار می‌تواند بسیار متغیر باشد. حقوق برنامه‌نویسان، خرید تجهیزات کامپیوتری و اداری، مالیات، هزینه تبلیغات، اجاره و خرید مکان، هزینه نگهداری تجهیزات و هزینه‌های مصرفی شامل هزینه اینترنت، آب، برق، تلفن و... جزء هزینه‌های قطعی این سطح از کسب‌وکار است.

**چگونه یک برنامه‌نویس شویم؟**

مهندس کریمی می‌گوید: «برای‌های برنامه‌نویسی را می‌توان از طریق تحصیل در دانشگاه،

سطح برنامه‌نویسی، یک دستگاه کامپیوتر متوسط است و حتی برای شروع کار به داشتن مهارت بالا در کدنویسی و... نیازی نیست. البته میزان درآمد در این سطح نیز معمولاً پایین است و در حد تأمین هزینه‌های تحصیل و افزایش تجربه برای برنامه‌نویس است.

**سطح دوم: استارت‌آپ یا شروع به پیاده‌سازی ایده‌ها و کسب‌وکارهای نوپا**

در این سطح از کسب‌وکار، تعدادی از برنامه‌نویسان که سابقه‌های کم و بیش بالایی در سطح اول برنامه‌نویسی دارند، با هم‌فکری و مدیریت گروهی، درصدد تبدیل ایده به محصول برمی‌آیند و برای نیل به هدف، به امید رسیدن به محصول زمان قابل توجهی صرف می‌کنند. این سطح از برنامه‌نویسی معمولاً با پذیرش ریسک‌های کاری و مالی انجام می‌شود. تقسیم وظایف، مدیریت کارآمد و درآمد وابسته به نتیجه پروژه، از جمله ویژگی‌های این سطح است و هزینه اولیه آن شامل تجهیزات کامپیوتری مورد نیاز هر برنامه‌نویس، صرف زمان نسبتاً بالا، نیاز به مکانی برای گردهمایی و برگزاری جلسات و هم‌فکری و کار مستمر تیمی است. این سطح از اشتغالزایی نیز با گرد هم آمدن چندین دوست دانشگاهی متخصص قابل راه‌اندازی است.

مهندس کریمی می‌گوید: «برای‌های برنامه‌نویسی را می‌توان از طریق تحصیل در دانشگاه،

## فساد اقتصادی و راهکارهای مبارزه - ۱

**روح‌الله صنعتکار / بیش از ۱۶ سال از صدور فرمان هشت ماده‌ای خطاب به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌گذرد و در این مدت اقدامات بسیاری از سوی نهادهای ذی‌ربط انجام شده است.**

اولین راه مبارزه با فساد افزایش سطح تقوای فردی و اجتماعی و فرهنگسازی آن است. باید توجه داشت، تقوا شاخه‌های گوناگونی دارد، تقوای مالی و اقتصادی؛ تقوای جنسی و اجتماعی؛ تقوای سیاسی و... آنچه در اینجا بیشتر مورد نظر است، تقوای کاری است که معادل خویشتن‌داری و پرهیزکاری در کار است؛ یعنی کنترل خویش هنگام انجام دادن کار و پرهیز از روابط سوء اجتماعی با دیگران. از آنجا که امیرالمؤمنین علی(ع) کارگزاران خود را به طور ویژه به رعایت تقوای فراوان سفارش می‌کند، می‌توان استنباط کرد دیدگاه ایشان در اینجا بیشتر ناظر به تقوا و خودکنترلی در عرصه کار و کارگزاری است و کارگزار موظف به خودکنترلی در همه کارها، به ویژه در امر حکومت و مدیریت است؛ اگرچه این سفارش‌ها، در شکلی دیگر، همه افراد و عرصه‌ها را فرا می‌گیرد.

حساب‌دهی و پاسخ‌گویی موجب کاهش درجه و میزان فساد می‌شود. این امر ممکن است به روش‌های گوناگونی به دست آید که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روش، ایجاد خودکنترلی و خود نظارتی در افراد است. بنابراین، بر اساس آموزه‌های دینی، نخستین گام برای مبارزه با فساد اداری و دیگر بیماری‌های اجتماعی مدرن، تزریق جهان‌بینی صحیح در جامعه است؛ همچنین عمل به اصول اسلامی به طور کامل، برای هدایت انسان به سمت صلح و شگوفایی حقیقی باید تشویق شود. پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری که از درون انسان بجوشد، مؤثرتر و ماندگارتر از پاسخ‌گویی است که از نظارت بیرونی ناشی می‌شود.

روش مهم دیگر استفاده از کارگزاران سلیم‌النفس است. هر نظام اداری و حکومتی برای اینکه بتواند امور جامعه خود را به درستی اصلاح کند، باید از کارگزاران شایسته و متعهد بهره‌گیرد. در میان همه حکومت‌ها، تانکون هیچ حکومتی، مانند حکومت امیرالمؤمنین علی(ع) در زمینه امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده است. این واقعیت را می‌توان از نامه‌ها و خطبه‌های گوناگون حضرت به کارگزاران و والیان حکومتی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و دینی جست‌وجو کرد. در همه نامه‌ها و عهدنامه‌های حضرت به کارگزاران، مسئله رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت دیده می‌شود. در اندیشه سیاسی اسلام، کسانی که از امکانات و اموال و اختیارات حکومتی بهره‌مند می‌شوند، باید صفات و ویژگی‌هایی داشته باشند تا بتوانند وظیفه خود را در درستی انجام دهند؛ در غیر این صورت، سبب تباهی امور می‌شوند. امیرمؤمنان علی(ع) هیچ‌گاه در عزل و نصب‌های خود، مسئله رفاهت و خویشاوندی را مدنظر قرار نمی‌دادند و روش سیاستمداران دنیاپرست را که تنها در راستای بقای حکومت خود عمل می‌کردند، به کار نمی‌گرفتند؛ بلکه تنها به رضای خدا می‌اندیشیدند و مصلحت مردم را در نظر می‌گرفتند. در اندیشه سیاسی حضرت، هیچ خطری برای جامعه اسلامی بیشتر از خطر بر سر کار آمدن افراد فاقد اهلیت و کم‌صلاحیت نیست. به همین دلیل، هنگام گماردن مالک‌اشتر نخعی به حکومت مصر، در نامه‌ای به مصریان چنین هشدار داده است: «من بیم دارم که ناخردان و نابکاران، زمام امور مملکت را به دست بگیرند و مال خدا را دست‌به‌دست بگردانند و بندگان او را بردگان خود گیرند و با صالحان به دشمنی برخیزند و فاسقان را حزب خود قرار دهند.» (نهج البلاغه، ص ۱۰۵۰)

حضرت در متن نامه مردم را به مسئله کارگزاران توجه می‌دادند و می‌فرمودند مبدا زمامداران بی‌اهلیت بر سر کار آیند و جامعه و مردمان را به تباهی کشانند؛ چرا که اگر حساسیت مردم به چگونگی رفتار کارگزاران از بین برود، آن‌گاه افراد بی‌لیاقت و فاقد صلاحیت در مراتب زمامداری قرار می‌گیرند و جامعه را به تباهی می‌کشانند. (مجلسی، ۱۴: ۱۰۳، ج ۶۹، ص ۱۷۶)

نتیجه آنکه اگر در نظام اداری و حکومتی از افراد سالم و متعهد استفاده شود و از طرفی نظارت مستمر برای تدوام حسن سلوک و تعامل مطلوب با مردم نیز حاکم باشد، یقیناً می‌توان به اقامه عدل و قسط در جامعه امیدوار بود. بدیهی است تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود مردم به نظام حکومتی جامعه اقبال کنند و در رفع فساد و تخلف، با کارگزاران همکاری و همگامی کنند.

## اقتصاد جهان

### جدال بر سر قدرت اقتصادی

خروج آمریکا از برجام و قرار گرفتن این توافق‌نامه بین‌المللی در مسیری ابهام‌انگیز که مشخص نیست نتیجه و آخرالامر آن به کجا خواهد رسید و همچنین همراهی و همکاری نکردن کشورهای راهبردی اروپا از جمله انگلیس، فرانسه و آلمان با ایران در معادلات اقتصاد جهانی و زیر پا گذاشتن تعهدات امضا شده خودشان در بندهای متعدد برجام، سبب شده است مردم ایران نسبت به حسن نیت کشورهای اروپایی و آمریکا مبنی بر کمک به توسعه و پیشرفت کشورشان بیش از هر زمان دیگری سوءظن داشته باشند.

اقتصاد کشورهای اروپایی به شدت به اقتصاد آمریکا وابسته است و تصور اینکه آنها بخواهند روزی برای تجارت و فعالیت‌های بازرگانی بین ایران و آمریکا، کشورمان را انتخاب کنند، تصویری دور از انتظار و ناپیچاست.

اما غرب دیگر قطب دنیای اقتصاد نیست و رقبای بزرگ اقتصادی‌ای در مقابل آن قد علم کرده‌اند، تا جایی که می‌توان قدرت‌های بزرگ اقتصادی شرق را به منزله راهبرین قطار اقتصاد جهان در دهه‌های آینده دانست.

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۵ مهر ۱۳۹۷ و در دیدار با جمعی از نخبگان و استعداددهای برتر علمی با تأکید بر ضرورت ارتباط علمی با کشورهایی که در مسیر رشد جهانی قرار دارند، اظهار داشتند: «این گونه کشورها عمدتاً در آسیا هستند، بنابراین باید نگاهمان به شرق باشد نه به غرب، ضمن اینکه نگاه به غرب و اروپا جز مصلحت‌مانند، منت کشیدن و کوچک شدن فایده‌ای ندارد.» از کشورهای تأثیرگذاری که در شرق وجود دارند، می‌توان از هند، چین، روسیه، پاکستان، ترکیه، اندونزی و... نام برد که توانایی و ظرفیت بسیار گسترده و بزرگی را در حوزه سرمایه‌انسانی، اقتصادی و فرهنگی دارند و می‌توانند سد محکمی را در برابر یکجانبه‌گرایی و تک‌قطبی شدن جهان از سوی غرب بنا نهند که اینچنین هم شده است.

صندوق بین‌المللی پول طبق آخرین آمار خود، رشد اقتصادی در کشورهای منطقه نام برده شده را در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ حدود ۷ درصد اعلام کرده است که در بین تمام مناطق جهان با کشورهای موجود بیشترین نرخ رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

کشورهای این منطقه با تقسیم کاری که در حوزه تولید کالاها و خدمات انجام می‌دهند، می‌توانند ارزش‌افزوده خود را افزایش دهند و موجبات هر چه کمتر شدن هزینه‌ها را فراهم کنند. با انجام این فرایند و گذشت آن کشورها به صورت بهتری می‌توانند جایگاه خود را در اقتصاد منطقه و حتی اقتصاد جهان درک کنند.

جمعیتی که در آسیا وجود دارد، شامل ۴/۵ میلیارد انسان می‌شود که در مقابل جمعیت حدود ۱/۵ میلیاردی اروپا و آمریکا ظرفیت بزرگی را ایجاد کرده است. این ظرفیت بازار بزرگ اقتصادی و جذابی را برای هر فرد و بنگاه اقتصادی متصور می‌کند تا نهایت استفاده را از آن ببرد. در این میان، اصلی‌ترین راه ارتباطی برای مبادلات اقتصادی در بین کشورها مسائل بانکی و پولی است و متأسفانه بیشترین حوزه‌ای که در آن غرب توانسته است به کشورهای مخالف و ناهمسوی خود فشار و تحریم ظالمانه روا دارد، دلار و یورو است. بیشتر کشورهای اروپایی از یورو برای مبادلات خود استفاده می‌کنند؛ اما مزیت شرق در حوزه تنوع پول‌های ملی کشورهای آن است که می‌توان از این ظرفیت در راه دوزدن تحریم‌ها و رسیدن به اهداف مدنظر استفاده کرد.





سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی آخوند خراسانی\_۷

پیروی از مکتب فقهی شیخ‌انصاری

□ **فتح‌الله پریشان** / فقه همواره در تاریخ تفکر سیاسی در ایران به ویژه در

قرون اخیر یکی از منابع و مبنای اصلی بوده است. در همین راستا از دیدگاه فقهی، نوگرایی دینی سیاسی‌سی در ایران معاصر بر دو مبنای مهم و متفاوت استوار است که هر دو در جریان‌های فقهی سیاسی دوره قاجار ریشه دارند. یکی اندیشه‌های معطوف به ولایت سیاسی فقیهان که در آثار ملاحمّد نراقی و صاحب جواهر گسترش یافته و دیگری مبنایی متفاوت دارد که در تحقیقات فقهی شیخ‌مرّضی انصاری عالم قرن سیزده هجری تقویت شده که به اعتبار شهرت وی با عنوان مکتب شیخ‌انصاری شناخته شده است. حضور رهبران سرشناس شیعه به ویژه آخوند خراسانی در تحولات مشروطه و نیز ساختار عمومی نظام سیاسی مشروطه بر اندیشه‌های فقهی و نتایج منبعث از مکتب شیخ‌انصاری استوار بوده و در امتداد آن قابل تحلیل است. بنابراین تأملی کوتاه در دستگاه فقهی سیاسی شیخ‌انصاری برای موضوع مورد بررسی ما اهمیت وافری دارد.

شیخ‌انصاری در تقسیم‌بندی ولایت فقها سه منصب و حق را مشخص کرده است؛ یکی منصب افتاء و فتوا دادن است که مربوط به مسائل شرعی مورد نیاز مردم است. وی این مقام را برای فقیه ثابت و مستمر دانسته است.<sup>(۱)</sup> منصب دوم، «الحکومه فی المرافعات» یا همان تصدی مصدر قضاء است که در دعای عمل می‌شود و به نظر شیخ به حیث وجود نص برای فقیه ثابت است.<sup>(۲)</sup> سوم «ولایه التصرف فی الانفس و الاموال» است. شیخ در این باره به صراحت متذکر می‌شود: «مقتضای اصل، عدم ثبوت ولایت برای افراد در مورد هر یک از امور گفته شده است.»<sup>(۳)</sup>

شیخ‌انصاری اصل اولیه را این می‌داند که هیچ‌کس ولایت در تصرف اموال و انفس دیگری را ندارد مگر پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) که به موجب ادله اربعه(نص، سنت، عقل و اجماع) از جانب خدا حق تصرف مطلق در کلیه امور شرعیه، عرفیه و جان و مال مردم را دارند.<sup>(۴)</sup> ولی این نوع ولایت را که از آن به ولایت غیر مستقله نام می‌برد، برای فقها بر جان و اموال مردم به طور عموم و گسترده قبول ندارد.<sup>(۵)</sup> شیخ‌مرّضی انصاری با محدود کردن اختیارات فقیه به دو مورد اول از سه مورد پیش‌گفته، با اشاره به روایاتی که در شأن علما و فقها آمده است و قائلان به نظریه نیابت عامه فقیهان همانند ملاحمّد نراقی و صاحب جواهر کوشیده‌اند با استناد به آنها ولایت در تصرف اموال و جان مردم را فقط برای معصوم ثابت کنند، «بعد از ملاحظه سیاق و صدر و ذیل روایات در می‌یابیم که این روایات در میان قیام وظایف فقها از جهت احکام شرعیه‌اند نه به این معنا که ایشان مانند حضرت رسول و ائمه صلوات‌الله علیهم باشند و در اموال مردم، بر مردم سزاورتر باشند.» زیرا فقیه بر اموال مردم و بر نفوس آنان تسلط ندارد.<sup>(۶)</sup> در نهایت وی پس از بحث‌های مذکور به این نتیجه می‌رسد که اقامه دلیل بر وجوب اطاعت از فقیه همچون امام به غیر از مواردی که دلیل بر آن وجود دارد، «خطر القتاده» است. این تعبیر که به معنای کندن تیغ‌های پوته خار با دست است، برای نشان دادن دشواری اثبات ولایت فقیهان از منظر شیخ‌اعظم انصاری است. از مجموع مباحث وی چنین برداشت می‌شود که اگرچه فقیه ولایت بر جان و مال مردم ندارد؛ اما وظیفه دارد و باید درباره تصرفات دیگران در این حوزه نیتوا بدهد. به عبارت دیگر، فقیه به تصرفات ویژه در جان و مال مردم مجاز نیست، اما درباره نظرخواهی مردم در زمینه مشروعیت داشتن و نداشتن تصرفات دیگران در حوزه سیاست نیز نمی‌تواند ساکت باشد و باید نظر شرعی خود را بیان کنند. روشن است که چنین اظهارنظری بنا بر مبنای شیخ، ناظر به اعلام عدم مشروعیت تصرف غیر فقیه خواهد بود، امری که از سوی شاگردانش در درباره تنباکو و مشروطه‌خواهی تحقق یافت. با چنین برداشتی هر چند فقیه بر جان و مال مردم ولایت ندارد، اما در سیاست حضور دارد. البته چنین حضوری بنیاد روحانی و دینی دارد و به زبان فتوای شرعی آشکار می‌شود.<sup>(۷)</sup>

مکتب فقهی سیاسی شیخ‌مرّضی انصاری پس از فوت او استمرار یافت و ابتدا در فتوای تحریم تنباکوی میرزای‌شیرازی و سپس در فتوای آخوند خراسانی در حمایت از مشروطه تجلی یافت. با این تفاوت که آخوند برخلاف شیخ‌انصاری و میرزای شیرازی، نگاهی کاملاً سلبی به سلطنت استبدادی داشت و از همین رو، نظام سیاسی مشروطه را به عنوان جایگزین نظام سلطنتی معرفی کرد. البته انحراف این نهضت به دست روشنفکران فریگرا و قدرت‌های غربی در غیاب مداخلات و تصرفات فقیه از باب ولایت نکته تأمل‌برانگیزی است که در نگاه تحولی امام خمینی(ره) به موضوع اختیارات فقیه و اثبات ولایت مطلقه برای فقیه مشاهده می‌شود.

**پی‌نوشت‌ها:**

۱- مرّضی انصاری، المکاسب، تحقیق سد محمد کلانتر، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۳۰۴.
۲- همان، ص ۳۰۵.
۳- مقتضی‌الاحل، عدم ثبوت الولایه لاحد بشی من الامور المذكوره، همان، ص ۳۱۵.
۴- همان، ص ۳۱۹-۳۱۸.
۵- همان، ص ۳۲۵.
۶- همان، ص ۳۲۸-۳۲۷.
۷- زاد فیرحی، «مبانی فقهی مشروطه‌خواهی از دیدگاه آخوند خراسانی»، مجموعه مقالات بررسی مبانی فکری اجتماعی مشروطیت ایران، تهران: انتشارات مجری و دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲-۲۰۱.

**کتابخوان**

**گزیده‌ای جامع از الغدیر**



اختلاف اصلی و اساسی بین شیعه و سنی پس از رحلت شهادت‌گونه پیامبر اسلام(ص) شروع شد. شیعه اعتقاد دارد منصب خلافت و ولایت پس از نبی‌اکرم(ص) برای امیرالمؤمنین علی(ع) و پس از آن حضرت برای اولاد ایشان است. این انتخاب هم حتی به دست پیامبر(ص) نیست؛ بلکه خداوند تبارک و تعالی امامت بعد از پیامبر(ص) را مشخص می‌کند و به وسیله پیامبر عظیم‌الشان(ص) اسلام این امر مهم را که به تعبیری «اتمام نعمت و اکمال دین» هست، به مردم ابلاغ می‌کند که اگر این مطلب را به مردم ابلاغ نکنند، رسالت خود را به مردم نرسانده است. از جمله علت‌هایی که انتخاب امام از طرف خداوند به وقوع می‌پیوندد، این است که جامعه نوظهور اسلام را از مهالک و سختی‌های روزگار نجات دهد و مسلمانان در سایه فرامین امامان معصوم به سرمنزل توحید برسند. ولی برادران سنی علاوه بر اینکه تصویری متفاوت از مقام امام و خلافت نسبت به شیعیان دارند، این منصب را الهی نمی‌دانند و عصمتی برای مرستیان این امر قائل نیستند. برای حل این اختلاف و روشن شدن حقیقت که به راستی امری مهم و خطیر برای سعادت انسان‌هاست، در طول سال‌های متنامدای علمای اسلام و پاسداران حریم ولایت با استفاده از منابع تاریخی، قرآنی و روایی این مطلب را به روشنی و وضوح تبیین کرده‌اند. در فرساز این علما نام «علامه امینی» چون خورشیدی در این امر می‌درخشد که با استفاده از منابع اهل سنت ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) را در کتاب شریف «الغدیر» در ۲۰ جلد به زبان عربی به اثبات رسانده است. به دلیل حجم زیاد کتاب و اینکه بیشتر مردم ایران از زبان عربی اطلاع چندانی ندارند و از طرفی روشن شدن حقیقت امری لازم برای همگان بوده، آقای محمدحسین شفیعی کتاب شریف «الغدیر» علامه امینی را در کتابی با عنوان «گزیده‌ای جامع از الغدیر» در سال ۱۳۸۶ تلخیص و ترجمه کرده و انتشارات «فلم مکتون» آن را به بازار عرضه کرده است. خواندن این کتاب به ویژه برای کسانی که وقت و حوصله مطالعه الغدیر را ندارند، مناسب بوده و امید است با ورود به مطالعه منابع دست اول تشیع علاقه و انگیزه علمی و معنوی برای کنکاش در ابعاد و اعماق موضوعات اسلامی فراهم شود.



**نقد روز**

**مطالعه ده هزار جلد برای نگارش یک کتاب**

□ **مصطفی‌قربانی** / در یک

نگاه اجمالی و کلی، درباره نسبت

توسعه اقتصادی و سیاست خارجی

در کشور دو دیدگاه وجود دارد؛

دیدگاهی که سیاست خارجی را شرط لازم توسعه می‌داند و بر همین اساس، هم حوزه‌های تعامل را وسیع و با حداقل ملاحظّات تعامل می‌گیرد و هم معتقد است، شرط بهره‌برداری کشور از امکانات نظام‌بین‌الملل، تعامل سازنده با دنیا، با سوبه‌های

تغییر‌گرایانه است؛ یعنی تعامل به شرط کنار گذاشتن رفتارهای تنش‌زا در سیاست خارجی که البته در برخی حوزه‌ها با شعارها و داعیه‌های انقلاب اسلامی تصادم پیدا می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، اینان در موازنه میان شعارها و داعیه‌های انقلابی با ضرورت‌های توسعه اقتصادی کشور، معادله را به نفع توسعه و به ضرر شعارهای انقلاب تعریف می‌کنند.

دیدگاه دیگر معتقد است، اگرچه تعامل با دنیا ضروری بوده و اقتضای توسعه اقتصادی کشور است، اما شرط لازم نبوده، بلکه در تحکّم شرط کافی است؛ یعنی تنها در صورت وجود بسترها و شرایط مساعد داخلی می‌توان به توسعه اقتصادی رسید و در صورت ضعف داخلی،امکانات خارجی نمی‌تواند جایگزین آن باشد. بنابراین، اینان اولاً توسعه‌گرایی را به استحکام درونی منوط می‌دانند و ثانیاً در عین اعتقاد به تعامل سازنده با جهان، حوزه‌های این تعامل را وسیع در نظر نمی‌گیرند. در واقع، مطابق با این دیدگاه، تعامل با جهان نباید مخدوش‌کننده ساخت انقلابی نظام باشد.

در سال‌های اخیر، دیدگاهی بر سیاست خارجی کشورمان حاکم شد که سوبه‌ها و از کان آن، بیشتر به دیدگاه اول نزدیک بود. در چارچوب دیدگاه مذکور، باور بر آن بود که تعامل سازنده با دنیا، ضرورتی انکارناپذیر برای توسعه اقتصادی کشور است، اما برای اینکه این مهم محقق شود، لاجرم باید در برخی رفتارها، کنش‌ها و شعارها تغییراتی داده شود تا بتوانیم با «زبان دنیا» صحبت کنیم. یکی از مفروضات یا

**آفاق**

دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۹۸

مطالعه ده هزار جلد

برای نگارش یک کتاب

سپرده و از آن یادداشت برداشته بود.

شماره ۵۱۱

سال نوزدهم

«مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی» که خود در نجف و تهران از یاران «علامه امینی» بود، نقل می‌کند، روزی علامه امینی به من گفت:

«برای تألیف الغدیر ده هزار جلد کتاب خوانده‌ام.» او مردی گزافه‌گو نبود. وقتی می‌گفت کتابی را خوانده‌ام، به درستی خوانده و در ذهن سپرده و از آن یادداشت برداشته بود.

نسبت‌سنجی توسعه اقتصادی با سیاست خارجی

## یارانه سیاست به اقتصاد



پیش‌فرض‌های آنان برای توجیه این گزاره این بود که در سال‌های گذشته، همواره اقتصاد کشور به سیاست پارانّه داده؛ یعنی به دلیل شعارها و رفتارهای سیاسی، مجبور به تحمل فشارهای اقتصادی شده‌ایم و حال این روند نه تنها باید متوقف شود، بلکه باید با تغییر یا عدول از برخی رفتارها و شعارهای سیاسی، سیاست به اقتصاد یارانه بدهد؛ یعنی اینها راه‌حل مشکلات اقتصادی را

در حوزه سیاسی می‌دانستند. عمل بر اساس این دیدگاه در نهایت نه تنها مشکلات اقتصادی را حل نکرد، بلکه ضمن تشدید مشکلات و ایجاد نوسانات نامطلوب اقتصادی، می‌رفت تا امنیت کشور را در معرض خطر قرار دهد و حتی طرف مقابل نظام را به حدی جری کرد که به طور جدی درصدتعمیم مدل برجام به دیگر حوزه‌ها، از جمله توان موشکی کشور نیز بود؛ البته باید توجه داشت، عمده اشکال در این زمینه تنها متوجه دولت یازدهم و دوازدهم نیست؛ بلکه آنچه این دولت‌ها انجام دادند، اقدام برای تأمین منافع ملی بود، اما عامل مهمی که سبب شکست تلاش‌های آنان شد، بدهعهی‌ها و ذات غیرقابل اعتماد طرف مقابل بود که در عین پایبندی کامل ایران به تعهداتش در برجام، باز از آن خارج شد. بنابراین، اگر فرجام برجام به ناکامی انجامید،

نرخ ارز در داخل کشور سقوط کرد و تاکنون نیز در همان حد باقی مانده است. حال آنکه قبل از این، با آمد و شد مقامات کشورهای مختلف به تهران یا شدت و ضعف مواضع مقامات آمریکایی در قبال کشورمان، نرخ ارز در داخل کشور به سرعت تحت تأثیر قرار می‌گرفت. در همین راستا باید اشاره کرد که موفقیت کشورمان در پاسخ‌مقتدرانه به اقدامات خصمانه

اشکال عمده متوجه‌ماهیت‌استکباری و زیاده‌خواهانه طرف مقابل است.

با این حال، پس از عملیات سساقط کردن پهپاد فوق‌بیشرفته آمریکایی به دست نیروی هوافضای سپاه و توقیف مقتدرانه نفت‌کش انگلیسی در خلیج‌فارس از سوی نیروی دریایی سپاه، روند تحولات دگرگون شد؛ به گونه‌ای که درست وقتی پهپاد آمریکایی سساقط شد، اینها راه‌حل مشکلات اقتصادی را

در حوزه سیاسی می‌دانستند. عمل بر اساس این دیدگاه در نهایت نه تنها مشکلات اقتصادی را حل نکرد، بلکه ضمن تشدید مشکلات و ایجاد نوسانات نامطلوب اقتصادی، می‌رفت تا امنیت کشور را در معرض خطر قرار دهد و حتی طرف مقابل نظام را به حدی جری کرد که به طور جدی درصدتعمیم مدل برجام به دیگر حوزه‌ها، از جمله توان موشکی کشور نیز بود؛ البته باید توجه داشت، عمده اشکال در این زمینه تنها متوجه دولت یازدهم و دوازدهم نیست؛ بلکه آنچه این دولت‌ها انجام دادند، اقدام برای تأمین منافع ملی بود، اما عامل مهمی که سبب شکست تلاش‌های آنان شد، بدهعهی‌ها و ذات غیرقابل اعتماد طرف مقابل بود که در عین پایبندی کامل ایران به تعهداتش در برجام، باز از آن خارج شد. بنابراین، اگر فرجام برجام به ناکامی انجامید،

نرخ ارز در داخل کشور سقوط کرد و تاکنون نیز در همان حد باقی مانده است. حال آنکه قبل از این، با آمد و شد مقامات کشورهای مختلف به تهران یا شدت و ضعف مواضع مقامات آمریکایی در قبال کشورمان، نرخ ارز در داخل کشور به سرعت تحت تأثیر قرار می‌گرفت. در همین راستا باید اشاره کرد که موفقیت کشورمان در پاسخ‌مقتدرانه به اقدامات خصمانه

«مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی» که خود در نجف و تهران از یاران «علامه امینی» بود، نقل می‌کند، روزی علامه امینی به من گفت:

«برای تألیف الغدیر ده هزار جلد کتاب خوانده‌ام.» او مردی گزافه‌گو نبود. وقتی می‌گفت کتابی را خوانده‌ام، به درستی خوانده و در ذهن سپرده و از آن یادداشت برداشته بود.

**رئزش‌ها**

**فرزاد و فرود سیدمحمدخاتمی\_۵**

**تقابل با رهبری!**

□ **شهاب زمانی** / پس از

اینکه تلاش همه‌جانبه اصلاح‌طلبان افراطی برای پیروزی در انتخابات سال ۱۳۸۸ بی‌نتیجه ماند و آتش فتنه‌ای که روشن کرده بودند، رو به خاموشی رفت و شرایط برای فتنه‌گران روز به روز سخت‌تر شد، برای فرزاد از این تنگنا به فکر رجوع به مراجع عظام تقلید قم افتادند تا با اختلاف‌افکنی میان علما و حاکمیت آخرین نقطه امیدهای خودشان را امتحان کنند. در این میان، این خاتمی بود که دست به قلم شد و به همراه موسوی و کروبی و ۶۵ نفر از اصلاح‌طلبان نامه‌ای خطاب به مراجع تقلید را با هدف تیره‌تیره افرادی که در شکل‌گیری فتنه و اغتشاش فعال بودند، نوشتند: «دستگاه تبلیغاتی به ویژه صدا و سیما... با پخش اعتراف‌های نمایشی، سعی در اثبات اتهام واهی به حرکتی مردمی دارد که تنها و تنها برای پاسداشت جمهوریّت نظام شکل گرفت.» سردار جعفری در شهریور ۸۸ اطلاعات دقیق‌تری از اعترافات ابطحی، چهره نزدیک خاتمی می‌دهد و می‌گوید: «خاتمی و ابوالفضل فاتح و مهدی هاشمی می‌گفتند برنده شدن در این انتخابات خیلی با بقیه انتخابات فسرّق دارد. در این صورت جریان اصولگرا و رهبر دیگر نمی‌توانند سرشان را بلند کنند و این به معنای یکسره کردن کار است. یعنی رسیدن به یک نظام با ولایت فقیه بسیار ضعیف شده یا بدون ولایت فقیه و اینکه اعتراضات در انتخابات کاملاً پیش‌بینی شده بود.» سردار در ادامه به بخشی از صحبت‌های خاتمی در سال ۸۷ اشاره می‌کند که وی در آنجا به تصریح گفته است: «اگر در این انتخابات دهم احمدی‌نژاد سقوط کند، عملاً رهبری حذف می‌شود. اگر اصلاحات به شک و قیمتی دوباره به قوه اجرایی بازگردد، دیگر رهبری اقتداری در جامعه نخواهد داشت.» در حوادث پس از انتخابات بارها دیدار خاتمی با «جرج سوروس»، تاجر و سرمایه‌دار صهیونیستی که ملقب به پدر انقلاب‌های رنگی است، تکرار شد. هرچند چندین بار اصلاح‌طلبان ادعا کردند این مطلب صحت ندارد و پایگاه خاتمی هم این دیدار را تکذیب کرد؛ اما جرج سوروس داده‌ای جدیدی از این دیدار افشا کرد. درباره این دیدار مدیر مسئول روزنامه «کیهان» می‌نویسد: «سند

ملاقات خاتمی را با سوروس بیهودی که از طراحان و پشتیبانان جنگ نرم در چند کشور بوده است، در اختیار دارم. ما اسناد معتبری داریم که خاتمی با سوروس و مایکل لدین دیدار کرده است و طرح ارائه شده توسط خاتمی در میان فتنه مبنی بر انجام فراندوم طرح «مایکل لدین» صهیونیست بود، نه طرح خاتمی فقط به دشمنان غربی ختم نمی‌شود؛ بلکه وی دیداری هم با «ملک عبدالله»، پادشاه عربستان در بحبوحه تبلیغات انتخاباتی

کشورمان در حوزه خلیج‌فارس و حمل‌ونقل دریایی نشان می‌دهد، اولاً شبیکه همکار منطقه‌ای آمریکا در تشدید فضای تحریم و فشار علیه کشورمان به درستی بابت پیامدهای جدی اقدامات خصمانه خود در قبال کشورمان متنبه شده و دیگر حاضر به تداوم همکاری‌های ضد ایرانی خود با آمریکا نیستند؛ امروزه آنها متوجه شده‌اند به جای اتکا به قدرت‌های فرمانطقه‌ای و به زعم خود، تأمین امنیت از طریق آنها، باید روابط خود با قدرت اول منطقه، یعنی جمهوری اسلامی را بهبود بخشید. ثانیاً آزادسازی بدون هزینه نفت‌کش گریس ۱، هشدار به آمریکا درباره پیامدهای جلوگیری از ادامه مسیر این نفت‌کش و ناتوانی آمریکا در هر گونه اقدام علیه این نفت‌کش و اظهار عجز وزیر خارجه آمریکا بابت حرکت این نفت‌کش، به خوبی نشان می‌دهد سیاست حداکثرسازی فشارها علیه ایران و به سفر رساندن صادرات نفت ایران نیز به طور جدی ترک برداشته است. تداوم این روند می‌تواند به خنثی‌سازی هرچه بیشتر تحریم‌های ضد ایرانی و برچیده شدن اوضاع و شرایط غیر عادی حاکم بر اقتصاد کشور منجر شود. بنابراین، به راستی اکنون سیاست به اقتصاد یارانه می‌دهد، اما نه با عدول از مواضع انقلابی، بلکه با اقدامات مقتدرانه و سنجیده.

مخلص کلام آنکه امروز کشور به میزایی از اقتدار و عزت رسیده است که نه تنها در مقابل فشارهای خارجی تسلیم نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ای به اقدامات خصمانه دشمنان دهد. قرار گرفتن در این موقعیت، مرهون توجه و عمل به اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است؛ به این معنا که چون به گزاره‌های مذکور توجه و عمل شده، بدون هزینه و بدون نیاز به عدول از مواضع و قدرت‌آفرین شده است. موفقیت کنونی را باید پاس داشت و طراحی و اجرای سیاست خارجی را باید در افق این موقعیت تعیین کرد.

مخلص کلام آنکه امروز کشور به میزایی از اقتدار و عزت رسیده است

که نه تنها در مقابل فشارهای خارجی تسلیم نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ای به اقدامات خصمانه دشمنان دهد. قرار گرفتن در این موقعیت، مرهون توجه و عمل به اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است؛ به این معنا که چون به گزاره‌های مذکور توجه و عمل شده، بدون هزینه و بدون نیاز به عدول از مواضع و قدرت‌آفرین شده است.

موفقیت کنونی را باید پاس داشت و طراحی و اجرای سیاست خارجی را باید در افق این موقعیت تعیین کرد.

مخلص کلام آنکه امروز کشور به میزایی از اقتدار و عزت رسیده است

که نه تنها در مقابل فشارهای خارجی تسلیم نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ای به اقدامات خصمانه دشمنان دهد. قرار گرفتن در این موقعیت، مرهون توجه و عمل به اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است؛ به این معنا که چون به گزاره‌های مذکور توجه و عمل شده، بدون هزینه و بدون نیاز به عدول از مواضع و قدرت‌آفرین شده است.

موفقیت کنونی را باید پاس داشت و طراحی و اجرای سیاست خارجی را باید در افق این موقعیت تعیین کرد.

مخلص کلام آنکه امروز کشور به میزایی از اقتدار و عزت رسیده است

که نه تنها در مقابل فشارهای خارجی تسلیم نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ای به اقدامات خصمانه دشمنان دهد. قرار گرفتن در این موقعیت، مرهون توجه و عمل به اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است؛ به این معنا که چون به گزاره‌های مذکور توجه و عمل شده، بدون هزینه و بدون نیاز به عدول از مواضع و قدرت‌آفرین شده است.

موفقیت کنونی را باید پاس داشت و طراحی و اجرای سیاست خارجی را باید در افق این موقعیت تعیین کرد.

مخلص کلام آنکه امروز کشور به میزایی از اقتدار و عزت رسیده است

که نه تنها در مقابل فشارهای خارجی تسلیم نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ای به اقدامات خصمانه دشمنان دهد. قرار گرفتن در این موقعیت، مرهون توجه و عمل به اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است؛ به این معنا که چون به گزاره‌های مذکور توجه و عمل شده، بدون هزینه و بدون نیاز به عدول از مواضع و قدرت‌آفرین شده است.

موفقیت کنونی را باید پاس داشت و طراحی و اجرای سیاست خارجی را باید در افق این موقعیت تعیین کرد.

مخلص کلام آنکه امروز کشور به میزایی از اقتدار و عزت رسیده است

که نه تنها در مقابل فشارهای خارجی تسلیم نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده‌ای به اقدامات خصمانه دشمنان دهد. قرار گرفتن در این موقعیت، مرهون توجه و عمل به اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است؛ به این معنا که چون به گزاره‌های مذکور توجه و عمل شده، بدون هزینه و بدون نیاز به عدول از مواضع و قدرت‌آفرین شده است.

موفقیت کنونی را باید پاس داشت و طراحی و اجرای سیاست خارجی را باید در افق این موقعیت تعیین کرد.



عظمت  
روز مباحله

□ **محمدرضا قضاوسی /**

ماجراهای مباحله از آنجا شروع شد که پیامبر(ص) به اسقف نجران نامه‌ای نوشت و او را به اسلام دعوت کرد. مشروح نامه چنین بود: «به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب(ع)؛ از محمد اصلوات‌الله علیه‌ا پیامبر خدا، به اسقف نجران. خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب(ع) را ستایش می‌کنم و شما را از پرستش بندگان به پرستش خدا فرامی‌خوانم، شما را دعوت می‌کنم که از ولایت بندگان خدا خارج شوید و در ولایت خداوند درآیید و اگر دعوت مرا نپذیرفتید، باید به حکومت اسلامی مالیات(جزیه) بپردازید تا در برابر این مبلغ، از جان و مال شما دفاع کند و در غیر این صورت به شما اعلام خطر می‌شود.»

نصرانی‌ها شورایی تشکیل دادند تا نحوه مقابله با پیامبر(ص) را بررسی کنند. در این شورا افرادی از حقانیت پیامبر(ص) سخن گفتند و قرار شد تعدادی از علمای نجران نزد پیامبر(ص) بروند تا دلایل نبوت او را بررسی کنند. وقتی به باور غلط خود درباراه الوهیت حضرت عیسی(ع) اصرار کردند و آیات قرآن آنها را قانع نکرد، خداوند به رسول خدا(ص) دستور داد تا آنها را به مباحله دعوت کند. نجرانی‌ها گفتند ما باید این موضوع را بررسی کنیم، آنها در شورای بررسی به این نتیجه رسیدند که اگر پیامبر(ص) با اهل بیت و کودکان خود به مباحله آمد، مصلحه را پیشنهاد دهیم و جزیه دادن را قبول افتاد و نجرانی‌ها جزیه دادن را قبول کردند. ماجرای مباحله ابعاد بسیار زیادی دارد که در جای خود می‌توان بررسی کرد. از حقانیت رسول خدا(ص) تا عظمت اهل بیت(ع)، به واسطه مباحله دعوت به اسلام تا قیامت زنده و پویا باقی ماند. هیچ وقت دعوت به اسلام کهنه نمی‌شود و در تمام اعصار جاری است. هر لحظه با تکیه بر ماجرای مباحله می‌توان انسان‌ها را به اسلام دعوت و حقانیت اسلام را ثابت کرد.

**تاریخ حماسه**

**آشننگی دشمن**

پس از عملیات موفقیت‌آمیز والفجر ۸، کشورها و سازمان‌های عربی نیز نگرانی خود را در زمینه پیروزی ایران بروز دادند. عربستان سعودی در اقدامی جانبدارانه از عراق به ترکیه پیشنهاد داد در صورتی که این کشور روابط تجاری خود را با ایران قطع کند، ضرر و زیان مالی آن را به عهده می‌گیرد. شاه اردن در همین راستا به میانجیگری میان عراق و سوریه و اشدن دادن دو کشور دست زد و شورای همکاری خلیج‌فارس نیز در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ تشکیل جلسه داد و علیه ایران موضع‌گیری کرد. جنبش عدم تعهد به منزله یک سازمان بین‌المللی در هفتمین اجلاس خود در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۷ جنگ را بررسی کرده‌ا هیچ‌گونه موضع مشخصی اتخاذ نکرد. پنج ساع بعد رئیس‌دوره‌ای این جنبش در نشست «حراره» عراق را منجاول اعلام کرد.

مهم‌ترین بازتاب عملیات که با هدف کاهش توان اقتصادی و درآمد ارزی جمهوری اسلامی صورت گرفت، کاهش قیمت نفت بود. این کاهش تا مرز هر بشکه ۶ دلار ادامه یافت. عربستان به همراه کشورهای دیگر تولیدکننده نفت با افزایش تولید و اشباع بازار از عرضه نفت، نقش بسزایی در ایجاد این وضعیت داشتند. این عمل عربستان که با پوشش «استراتژی سهم بازار» توجیه می‌شد تا یکی دو سال قیمت نفت را پایین نگه داشت. افزون بر این از دست دادن فائو، فشار مضاعفی را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به عراق وارد کرده؛ از این رو رژیم عراق به اقدامات وسیع سیاسی و نظامی دست زد. مهم‌ترین اقدامات عراق که در واکنش نسبت به شکت فائو صورت گرفت، حمله به هواپیمای مسافربری ایران بود که حامل چند نفر از نمایندگان مجلس از جمله «آیت‌الله شهید محلاتی» نماینده حضرت امام خمینی در سیاه بود.

□ **حجت‌الاسلام سیدعباس موسویان /**

صنعت بانکداری غربی حدود ۴۰۰ سال سابقه دارد و در همه کشورها، از جمله کشورهای اسلامی و مسیحی ایران و سودان وجود ندارد. همه منتقدان دانش اقتصاد درباره شیوه بانکداری فکر می‌کنند و انواع مقالات و کتاب‌های متعدد درباره آن نوشته می‌شود؛ اما هیچ وقت دانشمندی غربی درباره بانکداری ادعا ندارد که بدون عیب است و آنقدر مسائل جالبی در حوزه پول و بانکداری وجود دارد که پژوهشگران غربی از حل آنها ناتوان هستند.

از حدود سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا در مجلس تصویب شد و شهریور همان سال هم به تأیید فقهای شورای نگهبان رسید و «آیت‌الله صافی» که در آن زمان دبیر شورای نگهبان بود با امضای خود آن را تأیید کرد. در آن زمان مراجع وقت «امام راحل»، «آیت‌الله گلپایگانی» و «آیت‌الله نجفی‌مرعشی» بودند؛ این مصوبه به این بزرگواران عرضه شد و آنان نیز تأیید کردند و گفتند: «قانون مطابق فقه اسلامی به ویژه فقه امامیه است.»

**شیوه اجرا**

در ۳۵ سال گذشته هیچ اعتراضی از سوی مراجع در مقام قانون صورت نگرفته است، بلکه در مقام اجرا ندهایی وجود دارد. قانون عملیات بانکی بدون ربا در آن زمان به خوبی طراحی شده است و البته خلأهایی دارد و بسیاری از مطالب وجود دارد که در آن زمان از سوی قانون‌گذار توجه نشده است؛ از این رو قانون باید اصلاح و تکمیل شود. اما در مقام اجرا دغدغه در زمینه بانکداری بدون ربا وجود دارد. ۱-اولین مسئله این است که آنها می‌گویند: معاملاتی که در بانکداری بدون ربا انجام می‌گیرد اگرچه عنوان معاملات جزء عناوین معاملات شرعی است، اما این معاملات صوری و

**بانکداری اسلامی**

توضیحی درباره دغدغه مراجع نسبت به نواقص اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا



ساختگی هستند و واقعی نیستند که از آن جمله می‌توان به معاملات فروش اقساطی اشاره کرد که در مقام اجرا از سوی بانک خرید نمی‌شود و به مشتری فروخته نمی‌شود که بانک سود ببرد.

۲- دومین اشکال در زمینه نرخ‌های سود است که می‌گویند نرخ‌های سود بانک‌های ایران، متعارف و عادلانه نیست و وقتی با بانکداری دنیا مقایسه می‌کنیم، حتی بانک‌های ربوی ۵ تا ۱۰ درصد سود می‌گیرند؛ اما در بانک‌های ایران به صورت رسمی ۱۸ درصد است که در مقام عمل ۲۵ تا ۲۷ درصد می‌شود؛ مراجع تقلید این نقد را به نظام بانکی در مقام اجرا دارند؛ چرا که سود شرعی حد، اندازه، معیار و ضابطه‌ای دارد و این در بانکداری بدون ربا ایران اجرا نمی‌شود.

۳- سومین اشکال بحث جرمه‌های دیرکرد است که در شریعت اسلام اگر کسی بدهکار بود در درجه اول وظیفه دارد به فکر پرداخت بدهی باشد و به موقع آنها را بپردازد از طرفی اسلام می‌گوید اگر بدهکار ورشکسته بود، باید به او مهلت داد تا بدهی را پرداخت کند و مهلت نباید به ازای پرداخت پول بیشتر باشد؛ چرا که ربا محسوب می‌شود و برخی از مراجع

معتقدند جرمه تأخیری که بانک‌ها می‌گیرند، همین است و این ربا است. ۴- چهارمین اشکال بحث کار در صنعت بانکداری است. اینجائین پرسش مطرح می‌شود که با توجه به مسائلی که در صنعت بانکداری وجود دارد آیا می‌توان در این صنعت شغل شد؟ کار از چه حکمی دارد؟ درآمد آن چه حکمی دارد؟ آیا درآمد و دستمزد و حقوق و

معتقدند جرمه تأخیری که بانک‌ها می‌گیرند، همین است و این ربا است. ۴- چهارمین اشکال بحث کار در صنعت بانکداری است. اینجائین پرسش مطرح می‌شود که با توجه به مسائلی که در صنعت بانکداری وجود دارد آیا می‌توان در این صنعت شغل شد؟ کار از چه حکمی دارد؟ درآمد آن چه حکمی دارد؟ آیا درآمد و دستمزد و حقوق و

معتقدند جرمه تأخیری که بانک‌ها می‌گیرند، همین است و این ربا است. ۴- چهارمین اشکال بحث کار در صنعت بانکداری است. اینجائین پرسش مطرح می‌شود که با توجه به مسائلی که در صنعت بانکداری وجود دارد آیا می‌توان در این صنعت شغل شد؟ کار از چه حکمی دارد؟ درآمد آن چه حکمی دارد؟ آیا درآمد و دستمزد و حقوق و

□ **در بانکداری مسا کارگزار و مشتری هر دو سهل‌انگار هستند و این عیب در معاملات بانکی مشکل‌ساز شده است و حق با مراجع است که قرارداد باید مطالعه و به آن عمل شود؛ اما در حال حاضر برای فهم قراردادها وقت گذاشته نمی‌شود و این سبب صوری شدن معاملات می‌شود.**

مزایا حلال است یا حرام؟  
**راهکار ۱:** بیشتر مردم نسبت به انعقاد قراردادها سهل‌انگار هستند و لذا قسرا در آن مطالعه نمی‌کنند و انواع کلاهبرداری‌های صورت گرفته در قراردادها به دلیل همین امر است؛ این در حالی است که در کشورهای دیگر در همان بانک‌های ربوی بانکدار

مشتتری زمانی را برای شرح و تفصیل قرارداد می‌گذارد و به صورت بند بند مطالعه صورت می‌گیرد و به مشتری تفهیم می‌شود. حق با مراجع است که قرارداد باید مطالعه و به آن عمل شود که در حال حاضر برای فهم قراردادها وقت گذاشته نمی‌شود و این سبب صوری شدن معاملات می‌شود.

مشتتری زمانی را برای شرح و تفصیل قرارداد می‌گذارد و به صورت بند بند مطالعه صورت می‌گیرد و به مشتری تفهیم می‌شود. حق با مراجع است که قرارداد باید مطالعه و به آن عمل شود که در حال حاضر برای فهم قراردادها وقت گذاشته نمی‌شود و این سبب صوری شدن معاملات می‌شود.

دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۹۸ سال نوزدهم ۹۱۱ شماره

سود نمی‌شود؛ هیچ بانکی از بالا بودن نرخ‌های سود بانکی راضی نیست، اما در شرایط اقتصادی ایران وقتی بانک‌ها تحت فشار گذاشته می‌شوند که سودهای بانکی را کاهش دهند؛ مقداری از سپرده‌ها از بانک‌ها خارج می‌شود و بازتاب‌های منفی اقتصادی را به دنبال دارد.

**راهکار ۳:** دیدگاه‌های فقهی درباره موافقان یا مخالفان جرمه دیرکرد را باید دید. در سال ۱۳۶۱ مراجع به این کار اعتراض کردند و بهره دیرکرد ممنوع و از قانون کشور لغو شد؛ در آن دوره بانک‌ها با انباشت بدهی‌های معوق مواجه شدند؛ چرا که بانک‌ها بهره دیرکرد نمی‌گرفتند و به جای آن بهره التزام گذاشته شد. برخی مراجع گفتند این وجه التزام همان بهره دیرکرد است که همان حرمت را دارد؛ دیدگاه دیگری وجود دارد که وجه التزام با بهره دیرکرد متفاوت است. وجه التزام اگر در قرارداد شرط نشود لازم‌الرعایه است؛ حضرات آیات مکارم و سیستانی گفتند در قرارداد این شرط باید در یک عقد خارج لازمی باشد و برخی می‌گویند در حال حاضر، بر اساس تدبیر بانک مرکزی در کنار صفحات قراردادها، ارکان اصلی قراردادها با خط درشت به صورت خلاصه تهیه شده و کارگزار بانک موظف شده است این مفاد اصلی بانک را برای مشتری بخواند و تفهیم کند. اقدامی که مورد استقبال مراجع تقلید بوده است.

**راهکار ۴:** نرخ سود بانکی در ایران عمدتاً معلول اقتصاد کلان کشور است وقتی تورم ۱۵ درصد است چه انتظاری برای نرخ سود بانک‌ها به سیرده‌گذار است؛ گفت آن باید ۱۵ باشد تا ارزش سپرده سپرده‌گذار حفظ شود و اگر بخواهد سود واقعی بدهد باید ۱۶ تا ۱۸ درصد سود بپردازد، نامی نتوانیم وضعیت کشور خردمان را با کشوری که تورم آن کسر است، مقایسه کنیم. با اینکه دغدغه مراجع مورد قبول است، اما باید به شرایط توجه کرد. توجهی به علت بالا بودن نرخ

**عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**

**ثبات قدم در راه حق-۲۲- تدبیر در قرآن و روایات-۳**

□ **سیدحسین خاتمی‌خونساری /** تدبیر و تفکر در آفرینش، آیات قرآن و روایات از یک نظام فکری برای رسیدن به ایمان کامل، آرامش و ثبات و استحکام در عقیده حکایت دارد. این نظام فکری روشی بر مبنای چنین عالمانه آیات قرآن دارد که به صورت پراکنده دارای معنایی و در کنار یکدیگر دارای معنای واحدی است. «علامه سیدمحمدحسین طباطبائی» ذیل آیه ۲ سوره رعد (ج ۱، ص ۲۸۹) می‌گوید: «مراد از «تدبیر» قرار دادن اشیاء متعدّد مختلف پشت سر یکدیگر، به گونه‌ای که هر شیء در جایگاه خاص خود قرار گیرد و غرض، فایده و مقصود بر آن مرتبّ شود، می‌باشد.»

اول- باید بدانیم امر به تعقل، تدبیر و تفکر در آیات الهی و قرآن دستور خداوند در خود قرآن است. دوم- آنچه مسلم است، امر خداوند برای تدبیر در آیات قرآن به این جهت است که انسان از تدبیر در آياتش و جمیع خلائقش به یک اعتقاد صحیح و محکم برسد.

تدبیر در قرآن به معنای آن است که ضمن کنار یکدیگر قرار دادن الفاظ و کلمات با نگاهی حکیمانه، به پیام‌های قرآن و مقصود اصلی خداوند در سخنانش برسیم. البته این مهم به کمک عقلی قوی و کار کرده و همچنین پاکیزگی روحی به دست می‌آید. پس اینکه می‌گوییم یکی از ادله ما در اعتقادات عقل است، منظور عقلی است که تیز باشد و با تلاش‌های علمی توانمند شده و قدرت تحلیل پیدا کرده باشد؛ عقلی کنکاشگر و اهل جست‌وجو که با برخورد به هر سؤالی فوراً به دنبال تحقیق و گرفتن جواب آن باشد. نگاه داشتن سؤالات و شبهات و جزّ و تعدیل نکردن آن نشان از ضعف توان عقل است. مؤمن کسی نیست که اجازه بدهد پرسشی بدون پاسخ به ویژه در مسائل اعتقادی در ذهن او بماند.

آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که امر به تفکر و تعقل می‌کند و از به کار نگرفتن عقل از سوی انسان‌ها در امور زندگی و اعتقادی گلايه دارد و تعجب می‌کنند، بارها در قرآن خوانده‌ایم قرآن عبارت «افلا تعقلون، افلا تدّكرون و افلا تبصرون» را برای اعتراض به انسان‌هایی بی‌فکر اخذ کرده است. آیاتی در این زمینه وجود دارد که می‌فرماید: «افلا یتدبّرون القرآن أم علی قلوبهم أفطّالها؟» آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا در دل‌های‌شان قفل نهاده شده است؟! (محمد/ ۲۴) خداوند با قرآن، قرآن را ثابت می‌کند و می‌فرماید: «افلا یتدبّرون القرآن و لو أنّ من عند غیر الله لوجّدوا فیهِ اختلافاً کثیراً!» آیا به قرآن اعمیقاً نمی‌اندیشند؟ در حالی که اگر از سوی غیر خدا بود در آن اختلاف و ناهمگونی بسیاری می‌یافتند. خداوند در این آیه می‌گوید به الفاظ و کلمات دقت کنید و حتی به معنای و پیام‌ها، هیچ نقصی در آن نمی‌بینید. خداوند در سوره ص، آیه ۲۱ می‌فرماید: «کتّاب أنزلنا لیک مبارک لیتذکّروا فیها أولی‌الباب» کتابی است قرآن مبارک نهاده، که بر تو بدامی‌ای مرد را، که در آیه‌هایش تعقل کنند، به هوش و به دانش تأمل کنند، هر آن کس که او هست صاحب خرد، بسی پند و اندرز از آن برد. (ترجمه مجد، ج ۱، ص ۴۵۵) امیرالمؤمنین(ع) در حدیثی می‌فرماید: «ألا لا خیر فی قرآنه لیس فیها تدبّر...» (کافی، ج ۱، ص ۴۴) خبری که منظور حضرت در این حدیث است، همان هدایت و استحکام ایمان است؛ زیرا وقتی اهل تدبیر قرآن می‌خوانند بر ایمان‌شان افزوده می‌شود. «الذین اذا ذکر الله وجّلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاتهُ زانّتهم ایماناً»، مؤمنان همان کسانی هستند که چون خدا یاد شود دل‌های‌شان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمان‌شان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.(انفال/ ۲)

**جام جهان نما**

**دکترین «مونرو»**

در اواخر قرن نوزدهم، ایالات متحده آمریکا دیگر قدرتی درجه دو نبود؛ بلکه کشوری با ثروت بیکران، ده‌ها هزار هکتار زمین صنعتی و تولیدکننده بزرگ فولاد و ماشین‌آلات جهان بود. پس از استقلال آمریکا، در آغاز قرن نوزدهم، ایالات متحده نواحی پهناوری را در طرف جنوب و غرب به خود ملحق کرد. این نواحی سرزمین‌های ایالت لوئیزیانا، مستعمره فرانسه بود که ناپلئون آنجا را فروخت؛ زیرا نمی‌توانست از آن در برابر حملات انگلیسی‌ها دفاع کند. چند سال بعد در سال ۱۸۲۲، قسمت دیگر را شامل ایالت فلوریدا می‌شد، از دولت اسپانیا خریداری کرد. این کشور با قدرت «دکترین مونرو» را به کار می‌برد. این دکترین، یک ایده سیاسی آمریکایی بود که از سوی «جیمز مونرو» رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام شد و مخالف توسعه‌گرایی استعماری و دخالت قدرت‌های اروپایی در کشورهای قاره آمریکا بود. بر اساس این دکترین، دولت ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفت از دخالت در جنگ‌های بین قدرت‌های اروپایی و مستعمرات آنها خودداری کرده و وقوع جنگ یا فعالیت استعماری در قاره آمریکا را به نوعی حرکتی خصمانه تلقی کند.

«جیمز مونرو» رئیس‌جمهور ایالات متحده، دوم دسامبر ۱۸۲۳، ضمن نطق سالیانه خود در نشست مشترک دو مجلس قانون‌گذاری این کشور اعلام کرد: «ما در قبال اختلافات اروپاییان با یکدیگر بی‌طرف خواهیم بود؛ ولی هر تلاش تازه از جانب اروپاییان به مداخله و استعمار سرزمین‌های قاره آمریکا را تعرض نظامی به ایالات متحده و حالت جنگ تلقی خواهیم کرد و دست به دفاع مسلحانه و حمله متقابل خواهیم زد. این اختار مربوط به آینده است و دولت ایالات متحده در کار مستعمرات فعلی اروپاییان در قاره آمریکا مداخله نخواهد کرد.»

دکترین مونرو، هرچند به ظاهر در برابر سیاست‌های توسعه‌گرانه اروپایی‌ها اتخاذ شد؛ اما به تدریج به سیاستی برای افزایش نفوذ و سلطه ایالات متحده بر قاره آمریکا مبدل شد. مساحت آمریکا تا اوایل قرن نوزدهم، یک سوم اندازه کنونی بود؛ اما سیاست‌های توسعه‌طلبانه آنها موجب گسترش مرزهای آن به وضعیت کنونی شد. متعاقب دکترین مونرو، نفوذ در امور آمریکای لاتین از سوی ایالات متحده به‌صورت یک اقدام سازمان‌یافته تحت لوای حمایت از مردم آن در کسب استقلال و آزادی حاکمیت ملی آغاز شد و تا پایان قرن نوزدهم ادامه یافت.

یکی به زمینه بر ساختن نظام جدید جهانی به سرکردگی آمریکا با عنوان امپراتوری آزادی است. «توماس جفرسون» یکی از بزرگ‌ترین بنیان‌گذاران آمریکا تبلیغ می‌کرد و می‌گفت این کشور مسئولیت الهی دارد که نه تنها یک امپراتوری آزاد در سرزمین خود برقرار کند؛ بلکه باید سایر مردم را هم متمن کند. به نظر وی، گروه‌های بومی، مانند سرخ‌پوست‌ها و ملت‌هایی که هنوز ایدئولوژی و تفکر سیاسی آمریکایی را قبول نکرده‌اند یا نمی‌خواستند قبول کنند، تمدن نداشتند. غیر از این، او و دیگر بنیان‌گذاران آمریکا معتقد بودند این امپراتوری با دیگر امپراتوری‌های تاریخ متفاوت خواهد بود. فرق بین امپراتوری آزاد و امپراتوری قدیمی این بود که امپراتوری آزاد نه تنها بر اساس آزادی ساخته می‌شود؛ بلکه جنگ، زور و از بین بردن حقوق دیگران رخ نمی‌دهد. در عین حال ایشان معتقد بودند، آمریکا باید برای بقا و تداوم خود سرزمین‌های بیشتری را تصاحب کند. بر همین اساس، طی قرن نوزدهم مرزهای آمریکا از کرانه اقیانوس اطلس تا سواحل اقیانوس آرام گسترده شد؛ اما با وجود شعار امپراتوری بی‌همتای آزادی، آنان نیز تصرف زمین‌ها استفاده کردند.

هرچند طبق قانون اساسی آمریکا، دولت فقط با رأی و نظر مردم بومی هر منطقه می‌توانست سرزمینی را به خود ملحق کند؛ اما جفرسون-که خود نقش مهمی در نگارش قانون اساسی داشت- با خرید لوئیزیانا این قانون را نقض کرد. در این زمان هیچ کس از اهالی لوئیزیانا (از مستعمرات فرانسه) درباره پیوستن به آمریکا نظر خواهی نکرد.

**آغاز به کار دولت سازندگی**



از فعالان تند جناح‌های سیاسی نباشند و ثنبا توجه آنها بیشتر معطوف کار باشد، نه فعالیت‌های سیاسی. بر همین اساس، رئیس‌جمهور در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی(۱۳۶۸/۶/۵) به هنگام معرفی «کابینه کاری» خود درباره مداخله وزرا در امور سیاسی به صراحت اعلام کرد: «لان مصلحت نظام این است که من یک کابینه کاری تشکیل بدهم... بعضی از آقایان اصلاً خواهند گفت که این کابینه به اندازه کافی سیاسی نیست. شما هر چه بخواهید من خودم سیاسی هستم... به اندازه کافی کابینه با حضور من سیاسی است.»

در این بین دو طیف سستی چپ و راست و وضعیتی جدید قرار گرفته و نسبت به جریان نوظهور از خود همگرایی و واگرایی نشان دادند. طیف راست که در مجموع سیاست‌های اقتصادی دولت جدید را همسو با برنامه‌های خود می‌دید و از طرفی آقای هاشمی‌رفسنجانی عضو برجسته جامعه روحانیت مبارز تهران به حساب می‌آمد، گام به گام در فرایند همگرایی و ائتلاف قرار گرفت و بلکست طیف چپ که مواضع منتقدانه دولت جدید را نسبت به برنامه‌های دولت میرحسین موسوی نمی‌پسندید و همچنان بر اقتصاد دولت محور تأکید می‌ورزید، با همگرایی و ائتلاف جناح راست سنتی و دولت هاشمی گام در مسیر واگرایی نهاد و به جناح منتقد و رقیب تبدیل شد.

اولین اختلافات طیف چپ با دولت هاشمی در انتخاب وزرای کابینه خودنمایی کرد و برای نمونه آن گاه که در اعتراض به انتخاب نشدن دوباره «سیدعلی‌اکبر محسنی» به بود به عنوان وزیر کسب، توماری با امضای بیش از ۱۰۰ نفر از نمایندگان آماده و خواستار معرفی مجدد وی به عنوان وزیر کشور شدند، رئیس‌جمهور بر نظر خود مبنی بر تغییر وزیر کشور پای فشرده و برای قلنگ کردن نمایندگان مجلس سوم، «عبدالله نوری» را به جای وی معرفی کرد که در آن زمان، مورد قبول نمایندگان مجلس بود.

در این بین جناح چپ مجلس شورای اسلامی را که اکثریت نمایندگان آن به جناح چپ گرایش داشتند، به پایگاهی برای نقد عملکرد دولت تبدیل شد و تریبون مجلس به صدای معترضان و منتقدان مبدل شد. همچنین در کنار مجلس می‌توان از مطبوعاتی یاد کرد که در سال ۱۳۶۹ به عنوان تریبون طیف چپ وارد عرصه انتشار شدند که در سرفصلی دیگر بیان خواهیم کرد.

□ **گروه تاریخ /** یکی از مقاطع حساس کشور

که نقش تاریخی و مؤثری در روند شکل‌گیری دولت در جمهوری اسلامی داشته است، دورانی است که از آن با عنوان «دوران سازندگی» یاد می‌کنند. پس از ارتحال حضرت امام(ره) در نیمه خرداد ماه سال ۱۳۶۸، با تصمیم تاریخی مجلس خبرگان رهبری رئیس‌جمهور وقت به عنوان جانشین حضرت امام(ره) معرفی شد. در این میان قانون اساسی کشور در حال بازنگری بود و از جمله بندهای مهم تغییرات، ادغام نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری و افزایش اختیارات رئیس‌جمهور بود. در این شرایط، پنجمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در مرداد ماه ۱۳۶۸ با نامزدی آقایان «اکبر هاشمی‌رفسنجانی» و «عباس شیبانی» برگزار و طی آن، هاشمی‌رفسنجانی با کسب ۹۴/۵۱ درصد آرای مأخوذه (حدود ۱۵۵ میلیون نفر) به ریاست‌جمهوری برگزیده شد. رئیس‌جمهور جدید با افزایش قدرتی که از بازنگری قانون اساسی برایش ایجاد شد و با پایان یافتن جنگ و در اولویت قرار گرفتن سازندگی کشور، سکان هدایت توسعه همه‌جانبه کشور را برعهده گرفت. همچنین با کناره‌گیری آقای هاشمی از مجلس و قرار گرفتن در سمت قوه مجریه، «حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی» به ریاست قوه مقننه رسید و با تغییر قانون اساسی «آیت‌الله محمد یزدی» به ریاست قوه قضائیه برگزیده شد.

از سویی دیگر پایان جنگ تحمیلی که هشت سال به طول انجامیده بود، خسارات جبران‌ناپذیری را بر ساختار و زیربنای اقتصادی-اجتماعی کشور وارد کرده که توجه به بازسازی و جبران خسارات ایجاد شده با پایان جنگ در اولویت برنامه‌های کشور قرار گرفت. در کنار مسئله بازسازی شهرهای جنگ‌زده، از آنجا که در دوران جنگ بیشتر بودجه کشور صرف هزینه‌های جنگ می‌شد، بسیاری از بخش‌های اقتصادی بدون توسعه جدی باقی مانده بود و مشکلات زیربنایی، کمبود زیرساخت‌های اقتصادی-تجاری، در همه حوزه‌های اقتصادی از جمله کشاورزی، صنعت، برق، آب، نفت، پتروشیمی، راه، معادن و غیره به چشم می‌خورد. افزون بر این، مشکلات اجتماعی-اقتصادی، از قبیل بیکاری، تورم، گرانی و... زندگی را بر مردم سخت کرده بود. حضرت امام خمینی(ره) نیز در ۱۱ مهر ماه ۱۳۶۷ در پاسخ به نامه رؤسای سه قوه و نخست‌وزیر







